شرعیات نبوی

مخصوص

کلاس پنجم و ششم مدارس ابتدائی

مطابق

دستور شورای عالی معارف ایران

تألیف

حضرت سید جلال الدین طهرانی

کتابخانه

علمیه اسلامیه خوان کتابچی

و کتابخانه علمیه مظفریه

چاپ پنجم — طهران ۱۳۴۶

بنا نامی اعلیحضرت امام عصر حجة بن الحسن ع

بسم الله الرحمن الرحیم

درس اوّل

اصول دین و مذهب

اصول دین و مذهب مقدس اسلام پنج است

۱ توحید ۲ عدل ۳ نبوت ۴ امامت ۵ معاد

مسلمان و شیعه

توحید و نبوت و معاد اصول دین است که هر کس بآنها معتقد باشد او را مسلمان گویند عدل و امامت اصول مذهب اند که هر کس بآنها معتقد است او را شیعه نامند پس هر شیعه مسلمان هم هست لکن هر مسلمان شیعه نیست

خدا خداوند تمام عالم و عالمیان را از نیستی بهستی

آورده و تمام موجودات را خلق فرموده ولی ذات مقدسش بخودی خود موجود بوده و هست و خواهد بود و نیستی در خدا راه ندارد

دلیل بر وجود صانع

بهترین دلیلی که ما را هدایت بوجود حضرت الهی مینماید دلیلی است حسی مثلا می بینیم که خانه بدون بنا بنا نمیشود و خط بدون نویسنده نوشته نگردد پس چگونه ممکن است آسمان و زمین و ستارگان بی بانی و خالق موجود باشد البته آنها خالقی است که ما او را خدا مینامیم

معلوم ادله اجمالیه

درس دوم

اصول دین

توحید یعنی خداوندی که خالق موجودات است یگانه و یکتاست شریک و مثل و مانند ندارد

و دلیل بر وحدانیت حق است چنانکه دو نفر حاکم
در شهری نتوانند بسر برند چگونه دو خدا در عالم
حکم فرمائی خواهند داشت

نبوت عامه

خداوند برای هدایت و راهنمائی مردمان از
طرف خود اشخاصی را مامور کرده‌اند که خلق را
راهنمائی نموده آنان را از گمراهی و ضلالت بیرون
آورند و اخلاق و صفات حسنه را بآنان آموخته
تا دنیا و آخرت آنان منظم گردد و عده ایشان بنا
بر مشهور یکصد و بیست و چهار هزار است اول آنها
حضرت آدم و آخر ایشان پیغمبر ما محمد بن عبدالله
صلی الله علیه و آله و سلم است و اگر خداوند پیغمبران را
نفرستاد خلق در گمراهی می‌افتادند و این ظلم بود
و خدا ظالم نخواهد بود

نبوت خاصه یعنی پیغمبر ما محمد بن عبدالله ص از همه
بهتر و بالاتر است و خاتم تمام پیغمبران میباشد
و دیگر کسی بعد از او به پیغمبری نخواهد آمد و دین
مقدس دین اسلام که ناسخ تمام ادیان است

معجزه هر پیغمبری لازم است که برای اثبات پیغمبری
خود گواهی و معجزه بیاورد که سایر مردم از آوردن آن
عاجز باشند معجزه تا صدق ادعای او معین شود
پیغمبر ما محمد بن عبدالله ص دارای معجزات بیشمار
بود که بزرگترین معجزه او قرآن است و از جمله معجزات پیغمبر ما
این است که منافع و مفاسد اشیاء را بما آموخت
که آن روز غیر از خدا کسی نمیدانست

قرآن کتابی است آسمانی که از جانب خداوند توسط
پیغمبر ما رسیده و ناسخ تمام کتب است
این کتاب مقدس جامع قوانین مقدسه اسلام

وشامل مصالح انسان در دنیا و آخرت است (تمدن)
وتدین دلیل بر جامعیتش آنکه معانی قرآن بالسنهٔ
مختلفه در تمام عالم منتشر و بسیاری از احکام
مقدسه اش بعناوین مختلفه در میان مجری است
در صورتیکه هنوز کاملا پی بمصالح تمام قوانین
آن نبرده اند پس بر هر مسلمانی واجب و لازم است
که تا آخرین نفس در حفظ قوانین مقدسهٔ اسلام
بکوشد و همواره در اجراء احکام قرآن مجید
ساعی باشد **معاد** یعنی تمام مردم بعد از مردن
زنده میشوند و با همین بدن در روز قیامت برای
حساب حاضر خواهند شد تا هر یک پاداش اعمال
نیک و بد خود را دیده عملی بی جزا نماند زیرا اگر
کسی نیک و بد کند و جزای عمل خود را نه بیند ظلم است
و خداوند تبارک و تعالی از این صفت منزه و مبراست

درس سیم معانی اجمالی اصول مذهب (عدل)

عدل یعنی خداوندیکه عالم را خلق فرموده عادل
است و ظالم نیست و تمام بندگان در پیشگاه
مقدسش مساوی اند زیرا که ظلم قبیح است و فعل
قبیح سزاوار مقام الهی نیست و هر که دارای اعمال
نیکو و پسندیده باشد نزد خدا مقرب است
اِمامتِ مُطلقه یعنی بعد از هر پیغمبری جانشینی
بوده است که مردم را هدایت نموده تا در گمراهی
نیفتند **اِمامَتِ خاصّه** یعنی بعد از پیغمبر ما
حضرت علی بن ابیطالب ع تا ما از آنحضرت نسبا یازده
فرزندش امام و جانشین میباشند که آنها را ائمه
اثنی عشر و امامان دوازده گانه نامند اسامی ائمه
۱- حضرت علی بن ابیطالب ع ۲- حضرت امام حسن مجتبی ع
۳- اِمام حسین سید الشهداء عَلَیه السلام

۴- امام زین العابدین علیه السلام

۵- امام محمد باقر علیه السلام

۶- امام جعفر صادق علیه السلام

۷- امام موسی کاظم علیه السلام

۸- امام رضا علیه السلام

۹- امام محمد تقی علیه السلام

۱۰- امام علی النقی علیه السلام

۱۱- امام حسن عسکری علیه السلام

۱۲- امام زمان حضرت حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه که اسم مبارکش مهدی و از نظرها پنهان است و حتماً ظهور خواهد فرمود و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد

حضرت پیغمبر ص و حضرت فاطمه زهراء ع با ائمه علیهم السلام را چهارده معصوم گویند

معصوم کسی را گویند که در تمام مدت عمر از او گناهی سر نزده باشد

اصول دین را ضروری دین نامند که هرگاه کسی یکی از آنها را منکر شود کافر خواهد شد

تاریخ چهارده معصوم ع

محض تبرک و تیمن تاریخ ولادت و وفات و مدت عمر و امامت هریک از ائمه علیهم السلام را در جدول ذیل آورده‌ایم تا ضبط آنها آسان گردد

اسامی چهارده معصوم	سنه تولد	سنه وفات	مدت عمر	مدت امامت	مدفن
پیغمبر ص	قبل از هجرت	۱۱ بعد از هجرت	۶۳ سال	نبوت ۲۳	مدینه
فاطمه زهراء	۷ قبل	۱۱ بعد	۱۸	ندارد	مدینه
علی بن ابیطالب ع	۲۳ قبل	۴۰ بعد	۶۳	۴ سال ۲۴ ۳۲ روز	نجف
امام حسن ع	۳ قبل	۵۰ بعد	۴۸	۱۰ ۶ ۵	مدینه
امام حسین ع	۴ 〃	۶۱ 〃	۵۸	۱۱	کربلا
امام زین العابدین ع	۳۹ 〃	۹۵ 〃	۵۷	۳۴	مدینه
امام محمد باقر ع	۵۷ 〃	۱۱۴	۵۷	۱۹	مدینه
امام جعفر صادق ع	۸۳	۱۴۸	۶۵	۳۴	مدینه
امام موسی کاظم ع	۱۲۸	۱۸۳	۵۵	۳۵	کاظمین
امام رضا ع	۱۴۸	۲۰۳	۵۵	۲۰	مشهد
امام محمد تقی ع	۱۹۵	۲۲۵	۲۵	۱۷	کاظمین
امام علی النقی ع	۲۱۲	۲۵۴	۴۱	۳۳ سال ۷ ماه	سامره
امام حسن عسکری ع	۲۳۲	۲۶۰	۲۸	۶	سامره
حضرت محمد بن الحسن ع	۲۵۵	ندارد	غیر از	خدا کسی	نمیداند

درس چهاردهم (صفات ثبوتیه)

خداوند تبارک و تعالی دارای صفات حسنه بیشماریست

چه هر صفت خوبی برای خدا ثابت است و بالاترین

آنها هشت صفت می باشد که آنها را صفات ثبوتیه

و کمالیه نامند ۱ عالم (دانا) ۲ قادر (توانا) ۳ حی

(زنده) ۴ سمیع (شنونده) ۵ بصیر (بینا) ۶ متکلم

(گویا) ۷ مرید (با اراده) ۸ مدرک (درک کننده)

قادر و عالم و حی است و مرید و مدرک ... هم سمیع است و بصیر و متکلم صادق

صفات سلبیه حضرت باری تعالی از تمام

صفات زشت و ناپسند بدور منزه و مبراست

چه صفات قبیحه سزاوار مقام الهی نیستند بزرگترین

آنها هفت صفت است که آنها را صفات سلبیه و

جلالیه نامند (۱) مرکب نیست

۲ جسم نیست (۳) دیده شدنی نیست

۴- محل چیزی نبوده و بمکان است ۵- بیشتر یکیست
۶- صفات او زائد بر ذاتش نیست ۷- بی نیاز است
یعنی محتاج نیست
(زیرا که بودن جسم و مرئی و محل و بیشتر یکیست و معانی نوعی از احتیاج)

صفات پیغمبر و امام۴

پیغمبران و ائمه دارای صفات حسنه و خصال پسندیده اند
و بزرگترین صفات آنها دو صفت است یکی علم یعنی دانائی
و دیگری عصمت (یعنی پرهیزکاری از گناهان و معاصی
علم پیغمبران و امام باید داناتر و اعلم از تمام مردم
باشند و آنچه که بخواهند بقصد فوراً درک نمایند
زیرا که اگر اعلم نباشند فضل و برتری بر سایر مردم
نداشته بنابراین لایق مقام نبوت و امامت نیستند
عصمت این صفت نیز از شرایط نبوت و امامت است
که باید پیغمبر و امام معصوم باشند یعنی از قدرت و اختیار

خلاف اوامر الهی رفتار ننموده نواهی او را ارتکاب نکرده و اگر معصوم
نباشند لیاقت مقام نبوت و امامت را نداشته کردار و
گفتارشان کل توهم نخواهد بود

سؤالات

اصول دین و مذهب را بیان کنید، خدا یعنی چه، بچه دلیل خدا ثابت موجود است
توحید یعنی چه، دلیل بر وحدانیتش چیست، نبوت یعنی چه و دلیل بر آن کدام است
معجزه چیست، قرآن چیست، معاد یعنی چه، دلیل بر آن چیست، عدل
یعنی چه و دلیلش کدام است، امامت یعنی چه و ائمه علیهم السلام چند نفر اند
سنه تولد و وفات و مدت عمر هر یک از چهارده معصوم را معلم باید سؤال
کند، معصوم کیست، [illegible] دین چیست، صفات ثبوتیه کدام است،
صفات سلبیه کدامند، علم یعنی چه، عصمت یعنی چه.

درس پنجم - فروع

فروع دین مقدس اسلام بر چهار قسم است
عبادات - عقود - ایقاعات - احکام
عبادات اعمالی است که بدون قصد قربت یعنی نزدیکی بخدا

بجدا پذیرفته نمیشود مانند نماز

عقود یا معاملات آن است که احتیاج بدو
طرف داشته باشد یعنی بواسطهٔ آن دو نفر
صورت پذیرد مانند بیع (فروختن) که فروشنده
وخریدار نباشد فروختن تحقق نپذیرد

ایقاعات اعمالی است که احتیاج بطرفین نداشته
باشد بلکه از شخص واحد صورت پذیر باشد
چون طلاق که از طرف شوهر فقط کفایت میکند

احکام یا سیاسات اعمالیست که احتیاج بلفظ
و کلام ندارد مانند ارث و قصاص که چون پدر
مرد پسر از او ارث میبرد یا اگر دیگری کسی را
کشت او را باید بکشند (معلم: به معنی تحت اللفظی عقد ایقاع و حکم را ثابت کرده بفهماند)

احکام تکلیفیه

احکامیکه در شرع مقدس برای انسان مکلف

مقرر شده است پنج قسم است که آنها را احکام
خمسهٔ تکلیفیه نامند ۱ واجب ۲ مستحب ۳ حرام
(۴) مکروه ۵ـ مباح

واجب واجب
حکمی است که فعل آن ثواب و ترکش عقاب داشته
باشد مانند نماز و روزه و حج وغیره

مستحب
حکمی است که فعل آن ثواب و ترکش عقاب نداشته
باشد مانند زیارت قبور ائمه ع

حرام حکمی است که فعل آن عقاب داشته
باشد مانند قتل و سرقت وغیره

مکروه حکمی است که فعل آن عقاب نداشته
باشد ولی ترکش بهتر است مانند کفن فروشی وغیره

مباح حکمی است که فعل و ترکش مساوی است
مانند اشتغال بکسب حلال

مکلف در شرع کسیرا گویند که

بالغ در شرع کسیرا گویند که اگر مرد باشد بسن پانزده سال و اگر زن باشد بسن نه سال رسیده باشد

درس ششم - عبادات

عبادات بر هشت قسم است ۱- نماز ۲- روزه ۳- زکوة ۴- خمس ۵- حج ۶- جهاد ۷- امر بمعروف ۸- نهی از منکر

قبل از ذکر نماز که ستون دین است چند چیز را باید دانست ۱- نجاسات ۲- مطهرات ۳- آب و احکامش ۴- طهارت و اقسامش ۵- مقدمات نماز ۶- مفاسدات نماز ۷- مبطلات نماز ۸- سجده سهو

نجاسات

نجاسات دوازده چیز است

۱- و ۲- بول و غایط از انسان و هر حیوان حرام گوشت که صاحب خون جهنده باشد ۳- خون ۴- نطفه ۵- منی (یعنی مردار) از انسان و هر حیوانیکه صاحب خون جهنده باشد ۶- و ۷- سگ و خوک صحرائی نه دریائی

۸- کافر ۹- شراب و امثال آن که روان و مست کننده باشد ۱۰- فقاع یعنی شراب جو ۱۱- عرق جنب از حرام ۱۲- عرق شتر نجاست خوار عصیر عنبی یعنی شیره انگور که بجوشد قبل از آنکه دو ثلثش $\frac{2}{3}$ بخار شده باشد بعضی از علماء نجس میدانند

درس هفتم مطهرات یعنی پاک کننده ها

یازده چیز است ۱- آب پاک کننده است هر چیزیرا که نجس شده باشد ۲- زمین پاک کننده است کف پا و ته عصا و زیر کفش و چرخهای درشکه وغیره را در صورت برطرف شدن نجاست ۳- آفتاب پاک کننده است زمین و حصیر و بوریا و کلیه چیزهائیکه حمل و نقل آنها ممکن نیست مانند درو دیوار وغیره را پس از برطرف شدن عین نجاست از آنها ۴- آتش پاک کننده است هر چیز نجس را اگر بسوزاند و خاکستر یا دود کند

۵- اسلام پاک کننده کافر است

۶- استحاله - یعنی حالی بحالی شدن مانند اینکه سگ در نمکزار نمک شود

۷- انتقال - یعنی چیزی از جائی بجائی نقل شود مانند اینکه خون انسان در شکم پشه رفته پاک میگردد

۸- انقلاب یعنی تغییر پیدا کردن مانند اینکه شراب سرکه شود

۹- استبراء یعنی حیوان نجاست خوار را در مدت معینی ببندند و غذای پاک باو بدهند تا گوشتش پاک شود

۱۰- تبعیت یعنی طفل کافر مادامیکه بالغ نشده باشد چون پدر و مادر یا پدر او مسلمان شود او نیز پاک میگردد و همچنین شیره وقتیکه پاک شد پس از جوشیدن یا شراب سرکه شود ظروف و آلات آنها نیز پاک میشود

۱۱- برطرف شدن نجاست از هر عضو حیوان پاکی که نجس شده باشد و همچنین برطرف شدن نجاست از باطن مسلمان چون سوراخ بینی و فضای دهن

۱۲- استنجاء با مثل تطاهر یعنی با سه سنگ و یا سه کلوخ و امثال آن که پاک باشند محل غایط را پاک میکنند

۱۳- انفصال غساله - یعنی پس از جدا شدن غساله محل نجس پاک میشود

۱۴- نقصان - یعنی کم شدن آب انگور که بجوش آید تا دو ثلث آن ۲/۳ بخار شود باقی مانده پاک میگردد

۱۵- غیبت - یعنی غایب شدن مسلمان از نظر که عضو نجس شده اش با احتمال تطهیر پاک است

۳- آب

آب بر دو قسم است مطلق و مضاف

آب مطلق آبی است که مخلوط بچیزی نشده و از چیزی

گرفته نشده باشد وعرفاً عموم مردم اورا آب گویند مانند آب دریاها آب حوضها آب رود خانه ها وغیره آب مضاف آبی است که بآن چیزی مخلوط شده یا از چیزی گرفته باشد مانند گلاب وآب سیب وغیره

اَقسام آب مطلق

آب مطلق پنج قسم است ۱- آب کر ۲- آب جاری ۳- آب باران ۴- آب چاه ۵- آب قلیل

کُر مقداری از آب را که یکصد وبیست وهفت من وسی وهشت سیر و ۱۲ مثقال بوزن ششم داشته باشد کر نامند ویا آنکه محلیکه سه وجب ونیم طول (یعنی درازی) وسه وجب ونیم عرض (پهنای) وسه وجب ونیم عمق (گودی) داشته باشد پر آب نمائیم آن را کر نامند وحاصل ضرب مجموع چهل ودو وجب وهفت ثمن وجب میشود

(صورت عمل ضرب کسر متعارفی) مقدار هم بلا از طول وعرض وعمق ۳ + ۱/۲ = ۷/۲ = ۳۴۳/۸
طول ۷/۲ × ۷/۲ عرض = ۴۹/۴ × ۷/۲ عمق =

حاصل کل دفع شد گردید ۷/۸ + ۴۲ وجب

آب جاری مانند آب رود خانه ها وظروفها وغیره آب قلیل مانند آب آفتابه وظروف وغیره

اَحکام اقسام آب مطلق

آب کر وجاری وآب باران وچاه پاک کننده نجاست میباشند وبملاقات نجس نجس نمیگردند مگر در صورتیکه طعم یا رنگ یا بوی آنها بنجاستیکه داخل آنها شده تغییر کند

اَمّا آب قلیل وآب مضاف بملاقات نجس نجس میگردد فرقی که دارند این است که آب قلیل پاک کننده است

مخلوط شده باشد

درس هشتم

طهارت و اقسامش

طهارت بر سه قسم است : وضو - غسل - تیمم
که برای بجا آوردن برخی از عبادات لازم می شود
مانند طواف واجب و نماز واجب غیر از نماز میت
و مس قرآن

واجبات وضو ده چیز است ۱- نیت یعنی قصد
باین ترتیب که وضو میگیرم برای بجا آوردن نماز
قربة الی الله (برای نزدیکی بخدا)

۲- استدامه نیت یعنی باقی بودن بر قصد تا آخر وضو

۳- شستن صورت در درستگاه موی تا چانه از جهة
طول و آنچه میان انگشت بزرگ و انگشت میانه است
از جهة عرض

و آب مضاف پاک کننده نیست

احکام آب چاه در شرع مقدس برای آب چاه
احکامی مقرر است که در زمان ملاقات نجاست باید
عمل شود و آن احکام باختلاف نجاست تغییر میکند
که باید مقدار معینی از آب چاه را بکشند و آن را نزح
نامند مثلاً هرگاه نجاستی در چاه ریخت و طعم یا بو
یا رنگ آن را تغییر داد باید آنقدر آب بکشند تا آن
آثار بکلی رفع شود

آداب طهارتخانه

۱- حرام است پشت بقبله و رو بقبله نشستن

۲- واجب است پوشانیدن عورت از انسان ممیز

۳- واجب است شستن مخرج بول با آب و در مخرج غائط
مختار میباشند میان شستن با آب و مسح بطاهر در
صورتیکه تجاوز از محل ننموده باشد و نجاست خارج

چهارم- شستن دست راست از آرنج تا سر انگشتان

۵- شستن دست چپ مانند دست راست

۶- مسح جلو سر برطوبت دست راست

۷- مسح پای راست از سر انگشتان تا برآمدگی
روی پا برطوبت کف دست راست

۸ مسح پای چپ مانند پای راست برطوبت
دست چپ

۹ ترتیب یعنی آنچه ذکر شد مرتبا بجای آورد
وخلاف آن نکند

۱۰- موالات یعنی واجبات وضو را پی در پی بجا آورد

موجبات غسل

چیزهائیکه موجب غسل میشوند از این قرارند
جنابت حیض- نفاس- استحاضه متوسطه
وکثیره - موت - مس میت

غسلهای واجب

غسل حیض ونفاس واستحاضه اختصاص بزنان
دارد وغسل جنابت ومس میت وموت مشترکست
میان مردان وزنان

غسلهای مستحب

غسلهای مستحب از قبیل غسل روز جمعه وشبهای
فرد ماه رمضان وعید فطر ونیمه شعبان ورجب
وعید غدیر وعید قربان وغسل برای زیارت
ومقابر متبرکه **غسل** غسل بر دو قسم است
ترتیبی وارتماسی غسل ترتیبی آن استکه شخص
پس از آنکه بدن را خوب از نجاست پاک نموده
قصد میکند که غسل ترتیبی بجا میآورد قربة الی
الله بعد سر وگردن را میشوید بقصد سر وگردن
وبعد طرف راست بدن را باندری از سر وگردن بقصد طرف راست بدن

بر نصف دیگر بدن که طرف چپ است مانند دومی
از طرف راست بقصد طرف چپ

و غسل ارتماسی آنستکه پس از پاک شدن بدن بقصد
غسل ارتماسی نموده و یکمرتبه زیر آب فرو رفته بطوریکه
آب تمام بدن را فرا گیرد

وضو و غسل را باید با آب مطلق بجای آورد نه با آب
مضاف

درس نهم محرمات جنب

هفت چیز بر جنب حرام است

۱- نماز غیر از نماز میت ۲- مس کتابت قرآن و اسم
خدا و رسول و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین
۳- دخول در مسجد مکه و مدینه ۴- درنگ در
سایر مساجد ۵- طواف کعبه ۶- گذاردن چیزی
در مساجد ۷- قرائت سوره اقرء و و النجم و حم فصلت

آموختیم بل

اقسام تیمم

تیمم دو قسم است: بدل از وضو - بدل از غسل
تیمم بدل از وضو آنستکه شخص دست رسی به آب
نداشته باشد یا مانند اینکه وقت تنگ باشد یا اینکه
آب یافت نشود یا استعمال آن مضر و خطرناک شود
پس در این وقت تیمم بدل از وضو لازم است با
ترتیب

۱- نیت میکند که تیمم میکنم بدل از وضوء قربة
الی الله

۲- دو کف دست را یکمرتبه بر زمین میزنند

۳- با دو کف دست پیشانی را از رستنگاه موی
تا بالای بینی مسح میکند

۴- با کف دست چپ پشت دست راست را مسح

نماید با کف دست راست پشت دست چپ را مسح نماید

تیمم بدل از غسل

تیمم بدل از غسل از شخص یکی از موجبات غسل سر زده باشد و دسترسی باب نداشته باشد پس در این وقت تیمم بدل از غسل واجب است بترتیب سابق فقط بایستی از برای مسح دو پشت دست یک مرتبه دیگر دو کف دست را بر زمین زند و قصد را برای بدل از غسل نماید

تیمم را بترتیب باید بر زمین و ریگ و سنگ و غبار و گل باید نمود و بر معدنیات جایز نیست مگر سنگ گچ و آهک قبل از پختن

نواقض وضوء

چیزهائیکه وضو را باطل میکند پنج چیز است

۱- بول ۲- غایط ۳- خواب ۴- بیهوشی با نواع

آن ۵- ریح ۶- موجبات غسل و استحاضه قلیله

درس دهم

مسائل متعلقه نجاسات

۱- بر طرف نمودن نجاست و موضع وضو و غسل و تیمم قبل از آنها واجب است

۲- ازاله نجاست از لباس و بدن برای نماز و طواف واجب

۳- اجتناب نمودن از آب نجس و آب مضاف و آب مشتبه بآنها برای وضو و غسل

۴- نجاست کلاه و دستمال و جوراب و چیزهائی که به تنهائی در آنها نمیتوان نماز خواندن معفو است مگر بخون حیض یا نفاس یا استحاضه یا حیوان نجس العین نجس شده باشد.

۵- خون جراحات و دمل در صورت جریان در نماز معفو است

۶- مقدار خونیکه کمتر از بند بالای ابهام باشد معفو است مگر از خون نجس العین یا حیض و نفاس و استحاضه

مسائل متعلقه بتطهیر

۱- چیز نجس پس از زوال نجاست بشستن یکمرتبه در آب کر یا دو مرتبه با آب قلیل پاک می شود اگر قابل فشار باشد فشار باید داد

۲- آب جاری و باران و چاه اگر بواسطهٔ تغییر رنگ یا بو یا طعم چیز نجسی نجس شده باشد پس از زوال اوصاف با ملاقات کر باشد

۳- آب کر اگر نجس شود بملاقات با چند کر که اوصاف او را تغییر دهد پاک می شود

۶- ظرفی که سگ بلیسد باید آنرا یکمرتبه خاک پاک بمالند و بعد با آب کر یکمرتبه و یا با آب قلیل دو مرتبه بشویند پاک می شود

۷- آبیکه در ازالهٔ نجاست استعمال می شود نجس است مگر آب استنجا در صورتیکه اوصافش تغییر نکند

سؤالات

فروع دین چند است. هریک از فروع دین را بیان کنید. احکام تکلیفیه کدامند. هریک از احکام تکلیفیه را بیان کنید. مکلف کیست. عبادات بر چند قسم است. نجاسات چند چیز است. مطهرات چند است. آب چند قسم است. آب مطلق چند قسم است. هریک از آنها را بیان کنید. یک مقداری کر را تعیین کنید. احکام اقسام آب مطلق را بگوئید. احکام آب چاه کدام است. آداب طهارت تخلیه را بیان نمائید. طهارت را اقسامش ذکر کنید. موجبات غسل کدامند. غسل بر چند قسم است. محرمات جنب چند چیز است. تیمم بر چند قسم است. هریک از اقسام تیمم را شرح دهید. نواقض وضو و غسل و تیمم کدامند. مسائل متعلقه بنجاسات را بگوئید. مسائل متعلقه

بتطهیر را شرح دهید

نواقض غسل

۱- بول ۲- غایط ۳- موجبات غسل

نواقض تیمم

آنچه وضو و غسل را باطل مینماید مبطل تیمم است

درس یازدهم

اوقات نمازهای یومیه - برای هر یک از نمازهای پنجگانه وقتی مقرر است چنانکه وقت نماز صبح از طلوع صبح صادق است تا طلوع آفتاب وقت نماز ظهر از اول ظهر است تا مقدار چهار رکعت بغروب مانده وقت نماز عصر بعد از چهار رکعت از ظهر است تا مغرب وقت نماز مغرب از اول مغرب است تا چهار رکعت بنصف شب مانده وقت نماز عشا پس از گذشتن سه رکعت است از مغرب تا نصف شب

مقدمات نماز نماز مقدماتی دارد که قبلاً باید بجا آورد و بعد شروع بنماز خواندن نمود و آن مقدمات ده چیز است

۱- طهارت که عبارت از وضو و غسل و تیمم باشد

۲- ازاله نجاست یعنی برطرف نمودن نجاست از بدن و لباس

۳- ستر عورت یعنی پوشانیدن قبل و دبر (یعنی پیش و پس) در مرد و تمامی بدن در زن مگر روی و دو کف دست

۴- وقت شناختن

۵- قبله شناختن

۶ غصبی نبودن لباس

۷ غصبی نبودن مکان

۸ غصبی نبودن آب وضو و آب غسل و خاک تیمم

۹- ابریشم نبودن لباس مرد

۱۰- آنکه لباس نماز گذار از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد

دیگر از مقدمات نماز که مستحب است اذان و اقامه است

اذان و اقامه

اذکار اذان از این قرار است ۱- چهار مرتبه اَللّهُ اَکبَر ۲- دو مرتبه اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا الله ۳- دو مرتبه اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله ۴- دو مرتبه اَشهَدُ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ الله ۵- دو مرتبه حَیَّ عَلَی الصَّلوٰة ۶- دو مرتبه حَیَّ عَلَی الفَلاح ۷- دو مرتبه حَیَّ عَلیٰ خَیرِ العَمَل ۸- دو مرتبه اَللّهُ اَکبَر ۹- دو مرتبه لا اِلهَ اِلّا الله

اذکار اقامه که بعد از تمام شدن اذان باید گفته

شود مانند اذکار اذان است ولی باید انداختن دو اللّه اکبر از اول و زیاد کردن دو مرتبه قَد قامَتِ الصَّلوٰة بعد از حَیَّ عَلیٰ خَیرِ العَمَل و انداختن یک لا اِلهَ اِلّا الله از آخر

قبله قبله تمام مسلمین خانهٔ کعبه است در شهر مکه برای کسانیکه نزدیکند و آنجا را می بینند و طرف کعبه است برای اشخاصیکه دورند

شهر که پایتخت حجاز یکی از بلاد معروف مملکت عربستان و در جنوب غربی ایران واقعست

تعیین قبله بتوسط عقربه قطب نما جنوب را معین میکنیم و از نقطهٔ جنوب موافق اختلاف آفاق بسمت مغرب منحرف میشویم تا قبله معین شود (و در طهران ۳۶ درجه و نیم ابدا از جنوب بسمت مغرب منحرف شده و از برای ترکیب از بلاد و بقعه ارسینی ضبط شده است)

و نیز در مملکت ما اگر ستاره جدی یا قطبی را پشت
کتف راست قرار دهند مواجه کعبه خواهند شد
و هم چنین از مقابر مسلمین و محراب مساجد میتوان
تعیین قبله نمود (ستاره جدی یا قطبی)
(ستاره روشنی که در آخر ستارگان دب اصغر
واقعست ستاره جدی یا قطبی نامند
تبصره - همیشه ستاره جدی این خاصیت را نخواهد داشت
چه پس از چندین صد سال دیگر ستاره مخصوصی
کوکب قطبی خواهد بود و خاصیت مذکور را دارا
خواهد شد) و نیز باید دانست که تعیین جنوب با
عقربه قطب نما تقریبی است زیرا که جنوب جغرافیائی
با مقناطیسی فرق دارد

درس دوازدهم

مقارنات نماز

مقارنات نماز یعنی اعمالیکه میبایستی در حین خواندن
نماز بجای آورد و دوازده اند ۱- نیت ۲- قیام
۳- تکبیرة الاحرام ۴- قرآئت ۵- قیام متصل برکوع
۶- رکوع ۷- سجود ۸- تشهد ۹ تسلیم ۱۰ طمانینه
۱۱ ترتیب ۱۲ موالات

۱- نیت یعنی قصد کردن از برای نماز معتبر قربة الی الله
۲- قیام - یعنی ایستادن در حال نیت و نماز
۳- تکبیرة الاحرام - یعنی گفتن الله اکبر بعد از
نیت برای شروع در نماز
۴- قرآئت یعنی خواندن حمد و سوره در رکعت
اول و دوم از نمازهای یومیه و نیز خواندن حمد
یا سه مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر (تسبیحات اربع) در رکعت سوم و چهارم
۵- قیام متصل برکوع یعنی آنکه بعد از تمام کردن قرآئت
بلا فاصله برکوع نرود بلکه قدری تامل نماید

۶- رکوع یعنی خم شدن پس از قیام متصل برکوع بطوریکه دو کف دست بر زانوها برسد و بعد یکمرتبه سُبحانَ رَبّیَ العَظیمِ وَبِحَمدِه یا سه مرتبه سُبحانَ الله بگوید و بعد راست شود و مستحب است که قبل از رکوع اَللهُ اَکبَر بگوید و بعد از رکوع سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه اَللهُ اَکبَر بگوید

۷- سجود یعنی بخاک افتادن پس از اتمام رکوع بطوریکه پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو و دو انگشت پا بر زمین قرار گیرد و آن در هر رکعتی دو مرتبه واجب است باید بطوریکه چون رکوع را تمام کرد بسجده رود و یکمرتبه سُبحانَ رَبّیَ الاَعلی وَبِحَمدِه یا سه مرتبه سُبحانَ الله بگوید و سر از سجده بردارد و بنشیند و مستحب است الله اکبر بگوید و دوباره بسجده رود و همان ذکر سابق را بگوید و سر بردارد و مستحباً اَللهُ اکبر بگوید سجده را بر خاک

و سنگ و گیاههائیکه خوردنی نیستند میتوان کرد

تنبیه: باید محل سجده از محل قیام بلندتر از یک خشت نباشد

۸- تشهد - یعنی گفتن شهادتین (دو شهادت) که آن در هر نماز دو رکعتی یکمرتبه واجب است و در سه رکعتی و چهار رکعتی نیز دو مرتبه باید بطوریکه پس از اتمام دو رکعت اول سر که از سجده دوم برداشت بنشیند و بگوید اَلحَمدُ لِلّهِ اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرَسولُهُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و هم چنین است پس از رکعت سوم یا چهارم

۹- تسلیم یعنی سلام دادن بعد از اتمام تشهد اول در نمازهای دو رکعتی و پس از تشهد دوم در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی سه سلام بگوید:

اول اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ
که مستحب است دوم اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللهِ
الصّالِحینَ سوم اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ
بَرَکاتُهُ واز نماز خارج شود

۱۰- طمانینه یعنی باید نماز را با ملایمت و وقار خواند
۱۱- ترتیب یعنی اجزاء نماز را پس و پیش نیندازد
و مرتبا بجای آورد ۱۲- موالات یعنی تمام اجزاء نماز
را پی در پی بدون فاصله و مکث بجای آورد

ارکانِ چهارگانهٔ نماز نماز چهار رکن دارد
رکن بمعنی پایه است که اگر یکی از آنها کم یا زیاد شود
نماز باطل میشود و آنها از این قرارند
۱- تکبیرة الاحرام ۲- قیام ۳- رکوع ۴- سجود

جهر یعنی بلند خواندن - دو رکعت نماز صبح
و دو رکعت اول مغرب و عشا را باید بلند خواند

اخفات یعنی آهسته خواندن زنان تمام نمازها را و
مردان باستثناء آنچه گفته شد و باقی رکعات را
آهسته بخوانند

درس سیزدهم مُبطِلاتِ نماز

مبطلات نماز یعنی چیزهائیکه نماز را باطل میگردانند
دوازده است ۱- خوردن ۲- آشامیدن ۳-
حدث ۴- دست بر روی دست نهادن ۵-
پشت بقبله نمودن ۶- حرف زدن ۷- قهقهه
کردن (یعنی خنده باواز بلند) ۸- گریه کردن بغیر از
خوف خدا ۹- فعل کثیر بجای آوردن بحدیکه از صورت
نماز گذار خارج شود ۱۰- آمین گفتن بعد از سوره
حمد ۱۱- کم و زیاد کردن رکنی از ارکان چهارگانه
۱۲- شك در عدد رکعات که پای یك در میان
باشد یعنی شخص شك نماید که یك

دو رکعت خواند، یا دو رکعت یا سه رکعت وغیره
سلام بسیار یعنی شک، یقین را بنا گذارد کافیست

سجدهٔ سهو هرگاه شخص نماز گذار سهواً یکی از اجزاء
نماز را غیر ارکان چهارگانه کم و زیاد نمود مانند
قیام بیجا و سلام بیجا و کلام بیجا واجب است پس از نماز
نماز بلا فاصله دو سجدهٔ سهو بجا آورد باینطور که
بنیت سجده رود و میگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّى اللهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بعد سر از سجده بر داشته می نشیند
و باز بسجده میرود و ذکر سابق را میخواند و چون
سر از سجدهٔ دوم بر داشت می نشیند و میگوید اَشْهَدُ
اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ
مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

نمازها نمازها بر دو قسم است واجب و مستحب

نمازهای واجب هشت است ۱- نماز یومیه
۲- نماز آیات ۳- نماز طواف ۴- نماز میت
۵- نماز نذر و عهد و قسم ۶- نماز فوت شده
۷- نماز جمعه ۸- نماز عید قربان و عید رمضان
نماز جمعه و عید قربان و رمضان در این زمان
چون امام علیه السلام غائب است مستحب است
و نمازهای مستحبه مانند نماز نافله و نماز اول
ماه و نماز عید غدیر و نماز استسقاء یا طلب
باران وغیره

سؤالات

اوقات نماز ها را بگوئید، مقدمات نماز چند است، قبله کجاست
قبله را چگونه تعیین مینمائید، ستاره جدی همیشه دارای خاصیت تعیین
قبله هست یا خیر، مقارنات نماز چند است، ارکان چهارگانه نماز
کدامند، مبطلات نماز را بگوئید، سجده سهو را بیان نمائید،
نمازها بر چند قسم است،

درس چهاردهم

دربیان بجا آوردن هریک از نمازها

نماز یومیه هفده رکعت است که در اوقات
پنجگانه صبح وظهر وعصر ومغرب وعشا باید بجا
آورد نماز صبح دو رکعت نماز ظهر چهار رکعت
نماز عصر چهار رکعت نماز مغرب سه رکعت
نماز عشا چهار رکعت هفده رکعت نماز یومیه
واجب است بر مسلمان مکلفی که در سفر نباشد

شاخص وتعیین ظهر

شاخص جسم مخروطی است که بر روی زمین مسطح
قائماً نصب میکنند زمانیکه سایهٔ شاخص بمنتهی
درجه نقصان میرسد ظهر است ظهر وقتی است
که شمس بدائرهٔ نصف النهار بلد میگذرد و در
آن وقت سایهٔ تمام اشیاء واقعه در سطح زمین
بمنتهی درجه نقصان میرسد

در طلوع شمس ظل شاخص بطرف مغرب بی نهایت
ممتد است و رفته رفته رو بنقصان میگذارد تا
ظهر و از آن ببعد بطرف مشرق ممتد میگردد تا
وقت غروب که نظیر طلوع است

نماز آیات این نماز در وقت وقوع زلزله وصداهای
مهیب و موحش آسمانی و گرفتن خورشید و ماه کسوف
وخسوف واجب میگردد و آن دو رکعت است بترتیب
ذیل بعد از نیت و تکبیرة الاحرام حمد وسوره را
خوانده برکوع میرود و بعد از تمام رکوع می ایستد
و مجدداً حمد وسوره را میخواند و برکوع میرود
تا پنج رکوع تمام شود و پس از اتمام رکوع پنجم بسجده رفته
سجدتین را انجام میدهد آنوقت رکعت اول تمام
میشود بعد بلند شده رکعت دوم را نیز مانند
رکعت اول تمام نماید و پنج قنوت در نماز آیات مستحب است

در دو رکعت اول یکی پیش از رکوع دوم و یکی پیش از
رکوع چهارم و سه در رکعت دوم یکی پیش از رکوع اول
و دوم پیش از رکوع سوم و نوبت سوم پیش از رکوع پنجم
و در نماز آیات میتوان یک سوره را باستثناء سوره
توحید پنج قسمت نموده و قبل از هر رکوعی یک قسمت را
خواند و در این صورت محتاج بتکرار سوره حمد نیست

وقت نماز آیات نماز آیاتیکه بواسطه کسوف یا خسوف
واجب شده باشد وقتش از اول گرفتن خورشید و
ماه است تا آخر و نماز آیاتیکه بواسطه زلزله و صداهای
مهیب آسمانی واجب شده باشد میتوان در تمام عمر
بجا آورد (معلم اینجا را بشاگرد بفهماند)

نماز طواف واجب دو رکعت است مانند نماز صبح
که از افعال واجبه حج تمتع است و باید بعد از طواف
بیت الله و پیش از سعی بین صفا و مروه بجای آورد

درس پانزدهم - احکام میت

قبل از ذکر نماز میت لازم است احکام واجبه امواترا
که باید قبل از نماز آن بجا بیاوریم بدانیم

احکام ثلثه احتضار - غسل - تکفین

احتضار واجب است در وقت جان دادن محتضر را
رو بقبله قرار داده او را بپشت بخوابانند و پاهاشرا
بسمت قبله کشانند و مستحب است که کلمه طیبه لا اله
الا الله محمد رسول الله و اقرار بائمه علیهم السلام را
باو تلقین کنند و سوره والصافات و یس و سوره
دیگر را بخوانند

غسل میت مسلمانرا که سنش از چهار ماه
بیشتر است واجب است سه غسلش بدهند
اول باب سدر دوم باب کافور سوم باب خالص
مستحب است که در حالت غسل میت را بطوری

احتضار بجا باشد در زیر سقف غسل دهند و
غسال در جانب راست میت باشد و اگر بدن
میت طوری باشد که بواسطهٔ غسل مثلاً شی
کرده باید او را تیمم دهند و هر آینه سدر و کافور
یافت نشود هر سه غسل را باید باب خالص داد
و مرد را باید مرد بشوید و زن را زن مگر در زن
و شوهر که میتوانند هر یک دیگری را غسل دهند
بعد از غسل واجب است که هفت موضع او را که
پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو و دو انگشت
بزرگ پا باشد (مساجد سبعه) کافور بمالند
تکفین پس از غسل و حنوط واجب است میت
را از سه پارچه بپوشانند ۱- لنگ ۲ پیراهن
۳ سرتاسری
پارچهٔ کفن باید حریر و غصبی و خیلی نازک و نجس نباشد

و هم چیزی از غیر نماینکه مبتنی از نماز دارد بخواند
نباشد لکه مستحب است که از پنبه باشد و کفن زن
بر شوهر واجب است که هر چند زن دارا باشد

درس سیزدهم — طریقهٔ خواندن نماز میت

در نماز میت طهارت شرط نیست و آن واجبست که
خوانده شود بر میت مسلمانی که بیش از شش
سال نباشد و در کمتر از شش سال مستحب است
نماز میت بعد از غسل و کفن باید خوانده شود و
نماز رکوع و سجود ندارد و شخص نمازکننده رو بقبله
مقابل سینهٔ میت یا مطابق کمر زن بایستد و پنج تکبیر
میگوید باین طریق اَللهُ اَکبَر اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلَّا الله
وَحدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَ رَسُولُه
۲- اَللهُ اَکبَر اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ۳- اَلله
اَکبَر اَللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنینَ وَ المُؤمِناتِ اَللهُ اَکبَر

اللهم اغفر له اگر مرد باشد . و اللهم اغفر لها اگر
زن باشد ، ۵ - الله اکبر و از نماز خارج می شود

دفن یکی از احکام واجبه میت دفن است که بعد از
نماز باید اورا در زیر خاک پنهان نموده بطوری
که رو بقبله بپهلوی راست بخوابانند و طوری بپوشانند
که از صدمه جانوران محفوظ بماند و از بوی عفن
آن بمردم صدمه نرسد

و اگر کسی در دریا بمیرد و نتوانند اورا حمل بخشکی
کنند باید پای اورا بچیز سنگینی بسته در دریا اندازند
و شهید را باید با همان لباس بدون غسل براو
نماز گذارده دفن نمود

غسل مس میت چنانچه خواندیم یکی از غسلهای
واجب غسل مس میت است این غسل زمانی واجب است
که انسان مس کند میتی را که بدنش سرد شده و اورا

نیز غسل نداده باشند

واجب عینی و کفائی

واجب عینی امریست که بر تمام مسلمانان واجب است
بدون اسقاط از دیگری مانند نماز یومیه
واجب کفائی امری است که اگر یکی از مسلمین بجا
آورد از دیگران ساقط می شود مانند تکفین و
تغسیل و تدفین و نماز اموات

درس هفدهم - نماز عهد و قسم

این نماز بصیغه عهد و نذر و قسم واجب می شود و
باید تماما بطوریکه قرار گذارده بجای آورد و خلاف
آن نکند بشرطیکه آن نماز مخالف میزان شرع نبوده
و مورد نذر و عهد و قسم هم غیر مشروع نباشد
مثلاً اگر شخصی نذر کند که اگر بفلان مقصود رسیدم
صد رکعت نماز دو رکعتی بجا بیاورم در اینصورت

پس از رسیدن به مقصود بر او واجب است که یکصد
رکعت نماز دو رکعتی بجا آورد

نماز فوت شده از پدر

نمازهائیکه از پدر در حال مرض موت فوت کردیده
بر پسر بزرگتر واجب است که بجای آورد مگر آنکه پدر
وصیت نموده باشد که برای او نماز قضا اجاره
نمایند

نماز جمعه این نماز در صورتی واجب است که امام
یا نائب او حاضر باشند و با جماعتیکه اقلاً از پنج
نفر کمتر نباشند بجای آورده شود و در این زمان
که زمان غیبت امام علیه السلام است مستحب است
نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح و آن عوض
نماز ظهر باید بجا آورد و وقت نماز جمعه از اول ظهر است
تا زمانیکه سایه هر چیزی مثل خود آن چیز شود

و قبل از نماز باید دو خطبه خوانده شود که در آن خطبه
حمد و ثنای الهی و صلوات بر محمد و آل محمد و موعظه
کرده شود و سوره از سور قرآنیه در آن نیز تلاوت
کند و در موقع خطبه خطیب باید با وضو باشد و ایستاده
و خطبه را بلند بخواند و یکی از شرایط دیگر نماز جمعه
اینست که بین دو نماز جمعه اقلاً یکفرسخ باشد و کمتر
از آن نباشد

نماز عیدین

نماز عیدین - نماز عیدین که عبارت است از عید فطر
و عید قربان نیز بشرایط نماز جمعه واجب می شود و آن
نماز بتنهائی و فرادی هم میتوان بجا آورد و وقت آن
از اول طلوع آفتاب روز عید است تا ظهر - نماز عیدین
دو رکعت است بدین ترتیب در رکعت اول پس از
نیت و تکبیرة الاحرام حمد و سوره میباید که علی خوانده
پنج تکبیر میگوید و بین تکبیرات پنج قنوت میخواند

و تکبیر ششم را گفته برکوع میرود و سجده ها را بجا
میاورد و بر میخیزد و رکعت دوم را شروع مینماید
و حمد و سوره و الشمس را خوانده چهار تکبیر میگوید
و میان تکبیرات چهار قنوت میخواند بعد تکبیر پنجم را
گفته برکوع میرود و نماز را تمام مینماید بعد از
اتمام نماز دو خطبه هم واجبست که خوانده شود

معلم باید شاگردان را وادار کرد که نماز ها را عملاً بیاموزند

درس هجدهم - نماز مسافر

نماز های چهار رکعتی در سفر دو رکعت می شوند
و اینرا قصر گویند: نماز تمام به پنج شرط قصر میشود
۱- قصد مسافرت تا هشت فرسخ شرعی یا مسافرت
چهار فرسخ که در آن شب و روز برود و برگردد
(فرسخ شرعی سه میل است)
۲- رسیدن بحدی که صدای اذان شنیده نشود

و دیوارهای محل اقامت (شهری که مسکن دارد) بنظر دیده
نشود و این مسافت را حد ترخص گویند
۳- مسافر کثیر السفر نباشد مانند مکاری و
چاپار و کشتیبان و نیز مسافر مجبور نباشد
۴- آنکه سفر معصیت نباشد مانند شکار برای
لهو و لعب یا سرقت وغیره
۵- مسافر در بین راه قصد اقامت ده روز نکند
یا بجائی نرسد که در آنجا ملکی داشته باشد که در آن
شش ماه توقف کرده باشد

تبصره - در مسجد کوفه و مسجد مدینه و حایر کربلا مسافر مختار است که
نماز را تمام یا قصر بخواند و بسیار کار کسی در راه مردد بین رفتن و ماندن
باشد و قصد توقف نکند تا سی روز نمازش قصر است

نماز قضا نماز واجبی که از مکلفی فوت شود قضا
آن بر عهده او واجبست چه قصر و چه تمام خواه در سفر

خواه در حضر باشد و وقت نماز قضا تا ایام العمر است

نماز جماعت یا واجب است یا حرام یا مستحب

واجب جماعت در نماز جمعه واجب است و در عیدین در صورت وجوب واجب میگردد

مستحب. جماعت در نمازهای یومیه و نماز میت و نماز آیات مستحب است

حرام. جماعت در نمازهای مستحبی حرام است مگر نماز عیدین (در غیبت امام) و استسقاء و عید غدیر و نماز اعاده و نماز جماعت یکمرتبه از دو نفر که امام و مأموم باشد صورت نخواهند گرفت

درس نوزدهم

شرایط نماز جماعت. نماز جماعت دارای هفت شرط است

۱. امام مکلف و عادل و شیعه و مرد و حلال زاده باشد و اگر مأموم زن است امام نیز میتواند زن باشد

۲. مکان امام بیش از یک وجب از مکان مأموم بلندتر نباشد و بعکس اگر مکان مأموم بلندتر باشد عیبی ندارد

۳. مأموم باید اقتدا بتکبیر نماید

۴. مأموم نباید جلوتر از امام بایستد

۵. مأموم زیاد دور نایستد و حایلی غیر از صف جماعت میان امام و مأموم نباشد مگر آنکه امام مرد و مأموم زن باشد

۶. نماز امام و مأموم نباید مخالف باشد چون نماز یومیه و آیات ولی اگر متشابه باشند مثل هر یک از نمازهای یومیه جایز است

۷. مأموم فصیح نمیتواند با امام عاجز از ادای حروف اقتدا نماید

احکام جماعت ۱. حمد و سوره در نماز جماعت از مأموم ساقط می شود ۲. افعال مأموم نباید جلوتر از امام بجا آورده شود ۳. وقتی میتوان با امام اقتدا کرد

که امام تکبیرة الاحرام گفته و یا در حال رکوع باشد

۳- صورت مأموم قصد انفراد کند میتواند از نماز جماعت خارج شود

شکیات است در نماز بر سه قسم است شکوک غیر معتبره شکوک مبطله شکوک صحیحه ۱- شکوک غیر معتبره

شکهائیست که باید از آنها صرف نظر کرده و اعتنائی بدانها نباید کرد و آنها پنج قسم است

۱- شک بعد از محل مانند اینکه شخص در قنوت شک کند که حمد خوانده یا خیر ۲- شک بعد از وقت مانند اینکه در وقت مغرب شخص شک کند که نماز صبح خوانده است یا خیر ۳- شک بعد از سلام ۴- شک کثیر الشک که هیچ محل اعتبار نیست ۵- شک هر یک از امام و مأموم با حفظ دیگری مانند اینکه مأموم شک کند و حال آنکه امام در کمال اطمینان مشغول نماز است

باید مأموم اعتبار بشک خود نکرده متابعت امام کند و از شک صرف نظر نماید و هم چنین است نسبت با امام

شکوک غیر صحیحه یا مبطله. شکهائی هستند که موجب بطلان نماز میگردند و آنها از این قرارند

۱- شک در رکعات نماز دو رکعتی و اجزاء غیر از نماز احتیاط و شک در نماز سه رکعتی مثل نماز مغرب

۲- شک در نماز چهار رکعتی غیر از صور هشتگانه صحیحه

شکوک صحیحه شکهائی هستند که نماز را باطل ننموده باید مطابق احکام چند بدان عمل شود و آنها بر هشت قسمند از روی معلومات ذیل

شکوک صحیحه	دستور شرعی هر یک
۱- شک میانه دو و سه بعد از دو سجده	بنا را بر سه گذارد و نماز را تمام کرده و دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده بجا آورد

۲- شک میان سه و چهار در هر حال که باشد	بنا را بر چهار گذارده و نماز را تمام نموده بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده بجا آورد
۳- شک میان دو و چهار بعد از دو سجده	بنا را بر چهار گذارده و نماز را تمام نموده بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد
۴- شک میان دو و سه و چهار بعد از دو سجده	بنا را بر چهار گذارده و نماز را تمام نموده بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا آورد
۵- شک میان سه و پنج	در حال قیام پیش از رکوع نشسته بنا را بر چهار میگذارد و سلام میدهد و دو رکعت نماز ایستاده بجا آورد و با دو سجده سهو
۶- شک میان چهار و پنج	اگر بعد از سجده دوم است نماز را تمام نموده و دو سجده سهوی آورد و اگر قبل از رکوعست نشسته نماز را تمام کند و حکمش حکم شک سه و چهار است با دو سجده سهو

۷- شک میان سه و چهار و پنج	در حال قیام بنشیند و قرار بر چهار گذارد و بعد از نماز دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته و دو سجده سهو بجا آورد
۸- شک میان پنج و شش	اگر بعد از رکوعست نماز باطل و اگر قبل از رکوعست نشسته و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو بجا آورد

مسائل متعلقه بشکوک

۱- شخص نمازگذار در وقت شک باید کمی فکر و تأمل نماید تا شک مبدل بظن یا قطع گردد و اگر ظن و قطع حاصل نشد عمل بشک نماید

۲- در نماز احتیاط سوره واجب نیست و در قرائت اکتفا بحمد میتوان نمود

۳- اگر شک در عدد رکعات نماز مستحبی کند
میتواند بنا را بر اقل یا اکثر گذارد و در صورتیکه بنا را
بر اکثر گذارد نماز احتیاط لازم ندارد
ظن یا گمان آنستکه شخص در صورت تردید بیک آنرا
طرفی رجحان دهد و شک آنستکه بر هیچ طرف نتوا
ترجیح داد و مردد بماند

درس بیستم - روزه یا صوم

دوم از فروع دین روزه است روزه عبارتست از اینکه
شخص از طلوع صبح صادق با قصد قربت تا مغرب
شرعی خود را از مفطرات روزه حفظ نماید (مغرب شرعی
وقتیست که سرخی سمت شرق پس از غروب شمس از وسط آسمان گذرد)
قصد و نیت روزه ماه رمضان را باید قبل از طلوع فجر
نمود و در سایر روزها باید از قضا واجب و مستحب
و غیر معین شود روزه بر چهار قسم است واجب مستحب
حرام - مکروه

شرایط وجوب صوم

روزه ماه رمضان بشش شرط واجب می‌شود
۱- مکلف باشد ۲- در سفر نباشد ۳- زن در ایام
حیض و نفاس نباشد ۴- پیر و کثیرا لعطش نباشد
۵- زن حامله و شیرده نباشد که از روزه صدمه
بطفل او برسد ۶- احتمال خطر بر خود ندهد
روزه واجب بر پنج قسم است ۱- روزه ماه رمضان
۲- روزه قضاء ماه رمضان ۳- روزه کفاره ۴- روزه
واجب شده و عهد و قسم ۵- روزه روز سوم اعتکاف
اعتکاف عبادت مستحبی است که باید شخص در یکی
از چهار مسجد مدینه کوفه مکه جامع بصره با حالت
روزه اقلاً سه روز توقف نماید
روزه مستحب مانند روزه در ایام متبرکه و غیره

روزهٔ حرام روزه حرام بر نه قسم است

۱- روزهٔ عید رمضان که غرهٔ شوال المکرم است

۲- روزهٔ عید قربان که دهم شهر ذی‌الحجه است

۳- روزهٔ واجب در سفر مگر مسافرت شغل و پیشهٔ شخص باشد

۴- روزهٔ یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی‌الحجه برای کسیکه در منی باشد (منی جاییست در مکه)

۵- روزهٔ صمت یعنی کسیکه بقصد سکوت روزه بگیرد

۶- روزهٔ وصال یعنی کسی بقصد اینکه از سحر تا سحر دیگر غذا نخورد و روزه بگیرد

۷- روزهٔ کسیکه احتمال ضرر در خود بدهد

۸- روزهٔ روزی که معلوم نیست سلخ شعبان یا غرهٔ رمضان بقصد ماه رمضان

۹- روزهٔ مستحبی که زن بدون اجازهٔ شوهر خود و

و غلام بدون اذن آقای خود بگیرد

روزهٔ مکروه مانند روزهٔ دهم محرم که روز عاشورا است و روزهٔ مستحبی در سفر

ثبوت رمضان در شرع غرهٔ شهر رمضان بدو چیز ثابت می‌شود ۱- گذشتن سی روز از شعبان ۲- رؤیت هلال در شب سی‌ام شعبان

رؤیت هلال هلال را باید شخص صائم رؤیت کند یا اینکه بشیاع برسد که اغلب مردم بگویند هلال رؤیت گردید و یا دو عادل شهادت دهند و یا حاکم شرع حکم بر اول ماه نماید

مفطرات صوم

مفطرات صوم یعنی اشیائیکه روزه را باطل میکند ده امر است ۱ و ۲- خوردن و آشامیدن عمداً ۳- غبار غلیظ بحلق فرو بردن ۴- عمداً قی نمودن

۵- باقی بودن بر جنابت تا طلوع صبح صادق عمداً
۶- جماع ۷- استمناء ۸- بر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام نسبت دروغ دادن ۹- سر زیر آب فرو بردن
۱۰- اماله کردن

تبصره - هرگاه صائم روزه خود را با آشامیدن و خوردن و جماع و استمناء و بقاء بر جنابت باطل نماید باید قضا نموده و کفاره نیز بدهد و در سایر مفطرات فقط قضاء روزه کفایت میکند

کفارهٔ روزهٔ ماه رمضان

کفارهٔ روزهٔ رمضان یکی از سه چیز است ۱- شصت روز پی در پی روزه گرفتن ۲- شصت فقیر طعام دادن ۳- بنده آزاد کردن

مسائل متعلقه بصوم

۱- قضاء روزه فوت شده از پدر بسبب عذری بر پسر بزرگ واجب است و میتواند دیگری را برای روزهٔ میت اجیر نماید

۲- قضاء روزه فوت شده بسفر و مرض و حیض و نفاس واجب است و روزه پیر و کثیرالعطش قضا ندارد ولی هر روز یکمد طعام را بفقرا بدهند (مد ۹ سیر و کسری است)

درس بیست و یکم - زکوة

سیم از فروع دین زکوة است یعنی شخص مکلف مقداری از مال خود را مطابق دستور شرع باید بمستحقین برساند

زکوة بر دو قسم است: زکوة مال و زکوة بدن
زکوة مال در صورتی بر انسان واجب است که شخص مکلف و آزاد و مالک مقدار نصاب بوده و قادر بر تصرف در مال خود نیز باشد زکوة مال در نه چیز تعلق میگیرد
۱- طلا ۲- نقره ۳- گندم ۴- جو ۵- مویز ۶- خرما ۷- گوسفند ۸- گاو ۹- شتر

زکوة نقدین - طلا و نقره

زکوة طلا و نقره بسه شرط واجب می شود ۱- آنکه مسکوک

بسکه معامله خواه رواج باشد یا رواج نباشد ۲- آنکه

بمقدار نصاب خود رسیده باشد (نصاب مقداریست

که تا آن مقدار نرسد زکوة واجب نمی شود) ۳- حول یعنی

مقدار نصاب یکسال در تصرف صاحب آن بوده باشد

و بمحض رسیدن ماه دوازدهم زکوة واجب می شود

نصاب طلا

طلا دو نصاب دارد

۱- آنکه مقدار آن بوزنه بیست مثقال شرعی که ۱۵ مثقال

امروزه است برسد در این وقت باید $\frac{1}{40}$ یعنی نیم مثقال

شرعی که ساوی ۹ نخود معمول است بمستحقین زکوة داده

شود و در کمتر از بیست مثقال زکوة نیست ۲- آنکه

چون از بیست مثقال شرعی تجاوز کرده و به ۲۴ مثقال

شرعی رسید که معادل ۱۸ مثقال معمولی است باید

مقدار $\frac{1}{10}$ یکعشر مثقال شرعی (۱ نخود ۳ گندم) اضافه

اضافه می شود و در کمتر از آن زکوة نیست مانند ۲۲ مثقال

زکوة صیرفی	زکوة شرعی	نصاب مثقال صیرفی	نصاب مثقال شرعی
۹ نخود	نیم مثقال	۱۵	۲۰
۳ گندم ۱ نخود	عشر مثقال $\frac{1}{10}$	۳	۴
۳ گ ۱۰ نخود	$\frac{1}{10}+\frac{1}{40}$ نیم م	۱۸	۲۴

نصاب نقره

نقره نیز دو نصاب دارد ۱- آنکه مقدار آن

به دویست درهم شرعی معادل ۱۰۵ مثقال معمولی برسد

در این وقت باید پنج درهم معادل با ۲ مثقال و ۱۵ نخود

بمستحقین داده شود و در کمتر از دویست درهم زکوة نیست

۲- آنکه چون از دویست درهم تجاوز کرده هر چهل درهم

۲۱ مثقال معمولی یکدرهم (۱۲ نخود ۳ گندم) علاوه باید

داده شود در کمتر از چهل درهم زکوة تعلق نمیگیرد

(معلوم شد که زکوة نقدین چهل یک است)

زکوة

۱۵ نخود ۲ ل = ۵ درهم

۳ گندم ۱۲ نخود = ۱ م

۲ ۳ ۳ م = ۶ درهم

نصاب

مثقال ۱۰۵ = ۲۰۰ درهم

۲۱ = ۴۰

۲۴۰ = ۱۲۶

زکوة انعام ثلاثه زکوة گوسفند و گاو و شتر بچهار شرط واجب می‌شود ۱- انکه در مدت یکسال متصرف مالک باشد (حول) ۲- انکه در صحرا بچرند ۳- انکه گوسفند و گاو و شتر را بکار وادار ننمایند ۴- انکه بحد نصاب رسیده باشد

نصاب گوسفند گوسفند پنج نصاب دارد ۱- چهل که زکوة آن یك گوسفند است ۲- صد و بیست و یك که زکوة آن دو گوسفند است ۳- دویست و یك که زکوة آن سه گوسفند است ۴- سیصد و یك که زکوة آن چهار گوسفند ۵- چهارصد که زکوة آن در هر صدی یك گوسفند اضافه میشود و از اینجا هرچه بالا رود در هر صدی یك گوسفند اضافه میشود گوسفندی را که بعنوان زکوة از مال خارج مینمایند باید مریض و پیر و تازه بچه زاییده باشد مگر پانزده روز از زاییدن گذشته باشد و هم چنین اگر گوسفند است

اقلاً هفت ماه و اگر بز است یکسال داشته باشد

نصاب گاو گاو دو نصاب دارد ۱- سی و زکوة آن یك گوساله یکساله است که داخل سال دوم شده باشد ۲- چهل زکوة آن یك گوساله است که داخل سال سوم شده باشد و هرچه بالا رود در هر سی یك گوساله یکسال تمام و یا در هر چهل یك گوساله دو سال تمام بدهند

نصاب شتر شتر دوازده نصاب دارد پنج نصاب اول هر یك پنج است که در هر پنج شتر باید یك گوسفند داده شود که در ۲۵ شتر ۵ گوسفند را بعنوان زکوة خارج نماید

۶- ۲۶ زکوتش یکماده شتر یکسال تمام (بنت مخاض)

۷- ۳۶ زکوتش یکماده شتر دو سال تمام (بنت لبون)

۸- ۴۶ زکوتش یکماده شتر سه سال تمام (حقه)

۹- ۶۱ زکوتش یکماده شتر چهار سال تمام (جذعه)

۱۰- ۷۶ زکوتش دو بنت لبون

۱۱ - ۹۱ - زکوتش دو حقه

۱۲ - ۱۲۱ - زکوتش در هر پنجاه شتر یکماده شتر سه ساله (حقه)

و یا در هر چهل یکماده شتر دو ساله تمام (بنت لبون)

زکوة غلات اربع جو - گندم - مویز - خرما

زکوة غلات اربع بدو شرط واجب می شود ۱ - آنکه شخص

انها را کاشته باشد یا قبل از آنکه جو و گندم و مویز دانه ببندد

و خرما زرد شود یا سرخ شود بملک شخص در آید

۲ - آنکه بعد از وضع کلیه مخارج بنصاب برسند

نصاب غلات سیصد صاع است معادل با ۲۸۷ من

۴۲ سیر و ۳ مثقال و دو کم از این مقدار زکوة ندارد

و هر چه از این مقدار بالا رود اگر چه یکسیر باشد دارای

زکوة است زکوة غلات اربع چون بمقدار نصاب رسید

اگر با آب باران و آب رود خانه نمو کرده باشند زکوتش عشر است

و همچنین هر چه بالا رود اگر با آب قنات و دستی تربیت

شده باشد زکوتش نیم عشر است (۱/۲) زکوة بدن

یا فطره

باید در شب یا روز عید فطر که غره

شوال است شخص از خوراک غالب خود مقدار یک صاع

۸ - ۳ سیر و ۶ مثقال و کسری برای خود و هر یک از عیال

خود و مهمانیکه قبل از مغرب شرعی بر او وارد شده

بمستحقین زکوة برساند

زکوة بدن زمانی بر شخص مکلف واجب می شود که

قادر بر اداء آن باشد

جدول زکوة انعام ثلاثه

انعام ثلاثه هر یک از نصاب و مقدار زکوة آن

گوسفند	۴۰۰	۳۰۱	۲۰۱	۱۲۱	۴۰	گوسفند
	در هر صد یک	۴	۳	۲	۱	گوسفند
گاو	۴۰ گاو			۳۰ گاو		
	مسنه گوساله دو ساله			یک گوساله یکسال تمام		

۲۶	۲۵	۲۰	۱۵	۱۰ اشتر	۵ شتر
یک ماده شتر یکساله	۵	۴	۳	۲	۱ گوسفند
۱۲۱	۹۱	۷۶	۶۱	۴۶	۳۶ شتر
از هر پنجاه یکی سه ساله / از هر چهل یکی دو ساله	دو شتر سه ساله	دو شتر دو ساله	یک شتر چهار ساله	یک شتر سه ساله	یک شتر دو ساله

مسائل متعلقه بزکوه

۱ - گیرنده زکوة باید واجب النفقه زکوة دهنده نباشد چون پدر و مادر و زن و فرزند

۲ - گیرنده زکوة سید نباشد مگر آنکه زکوة دهنده نیز سید باشد

۳ - زکوة دهنده نیز میتواند که زکوة را بتمام مستحقین تقسیم نماید یا بیکطائفه بدهد

۴ - نصاب در غلات اربع پس از وضع مخارج است

۵ - در کمتر از نصاب و در بین دو نصاب زکوة ندارد

درس بیست و دوم - خمس

چهارم از فروع دین خمس است یعنی پنجیک از مال خود را مخصوص مطابق دستور شرع مقدس بمستحقین آن برسانند خمس بهفت چیز تعلق میگیرد ۱ - مالیکه از کفار حربی بغارت بدست آمده باشد کافر حربی کافر را گویند که مطیع اسلام نباشد و بشرائط ذمه عمل ننماید ۲ - آنچه از معادن بیرون آورند از طلا و نقره و نمک و گوگرد وغیره ۳ - عتیقه جات و پولهائیکه سکه اسلام ندا شته باشد و از زیر زمین بیرون آورند و همچنین گنجیکه از زیر زمین بدست آید ۴ - زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد باید کافر خمس آن مبلغ را بمستحقین بپردازد کافر ذمی کافر را گویند که مطیع اسلام و مسلمین باشد ۵ - آنچه از دریا بیرون آورند مانند صدف مروارید و مرجان وغیره ۶ - مال حلالیکه مخلوط بحرام شده باشد ۷ - منفعت تجارت و حرفت و زراعت که زاید از اخراجات یکساله باشد

مستحقین اخذ زکوة کسانیکه شرعاً سزاوار گرفتن
زکوة میباشند هشت طایفه اند ۱ و ۲ - فقرا و مساکین
۳ - کسانیکه مأمور جمع آوری زکوة و تقسیم آن بین مستحقین
میباشند ۴ - کفاریکه مجاور مملکت اسلامی بوده کافرند
مقیمانند برای جلب قلوب آنان سهمی از زکوة باید بآنها
داده شود ۵ - غلام و کنیزیکه در نزد صاحب خود در
زحمت بوده باشد برای دفع مشقت آنها سهمی از زکوة را
بآنها بدهند تا بتوانند خود را از سختی نجات دهند
۶ - مقروضین بی تقصیر که نمیتوانند دین خود را بدهند
باید سهمی از زکوة بآنها داده شود تا قرض خود را ادا نمایند
(بدهکاران با تقصیر کسانی هستند که مال غیر را گرفته بمصارف حرام رسانیده اند)
۷ - ابن سبیل یعنی غریبی که در غربت بواسطه چیزی در مشقت
بوده باشد ۸ - سبیل الله یعنی باید سهمی از زکوة را در
امور خیریه که مصالح و منافع عمومی در آنست صرف نمایند

مانند مساجد و پلها و مدرسه و غیره
مستحقین اخذ خمس مستحقین خمس که باید بآنها برسد چهار
طایفه اند ۱ و ۲ - فقرا و مساکین ۳ - ابن سبیل و
باید این سه طایفه از سلسله سادات بوده باشند
۴ - امام عصر عجل الله فرجه و چون ایشان غائبند
در این زمان بحاکم شرع باید داد تا مجتهد آنرا میانه
آنجماعت قسمت کنند . خمس شش قسمت باید بشود سه سهم
آن متعلق بفقراء و مساکین و ابن السبیل است و سه سهم
دیگر متعلق بامام عصر است که امروز بحاکم شرع داده میشود

سؤالات

شرایط وجوب صوم را بیان کنید . روزه بر چند قسم است . هرگاه شخص عمداً
ماه رمضان بچه ثابت میشود . محرمات صوم را بیان نمائید . کفاره روزه
رمضان کدام است . ما بین ... متعلقه خمس را بگوئید . زکوة چیست و چند
قسم است . زکوة بچند چیز تعلق میگیرد . زکوة طلا و نقره چند است
وجه واجب میشود . نصاب هر یک را بگوئید . نصاب گوسفند چند است

نصاب گاو چند است، نصاب شتر چند است، زکوة غلات اربع را بیان کنید، زکوة بدن یا فطره را بیان نمائید، مسائل متعلقه بزکوة را بگوئید، خمس چیست و بچند چیز تعلق میگیرد، مستحقین زکوة چند طایفه اند، مستحقین خمس چند طایفه اند،

درس بیست و ششم - حج

پنجم از فروع دین حج است یعنی در تمام عمر یکمرتبه طواف خانه خدا بر انسان مکلف مستطیع واجب می شود و آنرا حجة الاسلام گویند استطاعت باید از تمام جهات باشد یعنی از حیث مال و جان و سفر قدرت داشته باشد حج بر سه قسم است ۱- تمتع ۲- قران ۳- افراد حج تمتع برای اشخاصی واجبست که منزل آنان از مکه شانزده فرسخ شرعی یا بیشتر دور باشد حج قران و افراد بر کسانی واجب است که منزل آنها در مکه یا مجاور مکه یا شانزده فرسخی آن واقع باشد و هر یک از آنها دارای یک عمره است

عمرهٔ تمتع اعمال عمرهٔ تمتع پنج است ۱- احرام ۲- طواف ۳- نماز طواف ۴- سعی بین صفا و مروه ۵- تقصیر

اعمال حج چهارده چیز است ۱- احرام ۲- وقوف بعرفات ۳- وقوف بمشعر الحرام ۴- وقوف از مشعر بمنی ۵- رمی جمرهٔ عقبه ۶- نحر ۷- حلق ۸- طواف زیارت ۹- دو رکعت نماز طواف ۱۰- سعی بین صفا و مروه ۱۱- طواف نسا ۱۲- دو رکعت نماز طواف ۱۳- مبیت بمنی ۱۴- رمی جمرات ثلاثه

۱- احرام اول فعل حج تمتع احرام عمره است احرام عمره آنستکه چون شخص بمیقات رسید نیت احرام عمره نموده و این ذکر را که ذکر احرام است بگوید اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ وَ الْمُلْکَ لَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ و آنرا تلبیه نامند و در زمان احرام باید جامهٔ احرام بپوشد که آن دو پارچه است ۱- لنگ که مرد بکمر ببندد ۲- پارچه که بدوش کشد

میقات جائیکه از طرف شرع برای قصد احرام معین
شده است میقات نامند و آن پنج مکان است
۱- **ذوالحلیفه** جائیست که چون از راه مدینه بمکه
روند باید احرام ببندند
۲- **جحفه** مکانی است که از راه شام بآنجا میرسند
۳- یلملم است که از راه یمن بآنجا میرسند ۴- قرن المنازل
که از طرف طائف بآنجا میرسند ۵- عقیق که از راه
عراق عرب بآنجا میرسند

محرمات احرام افعالیکه بر شخص محرم حرام است شانزده است
۱- شکار کردن و خوردن گوشت شکار ۲- نکاح و جماع
۳- استعمال عطر و بوی خوش ۴- استمناء ۵- پوشیدن
جامه دوخته برای مردان ۶- پوشیدن مرد چیزیرا که
پشت پای او را بپوشاند ۷- دروغ گفتن و فحش دادن
و ذکر لا والله و بلی والله ۸- کشتن جانوران بدن

۹- بد گفتن یعنی روغن بدن مالیدن ۱۰- ناخن چیدن و چیدن
موی سر و ریش ۱۱- پوشانیدن سر و رفتن زیر سایه
۱۲- کندن گیاه و درخت حرم از ملک محرم ۱۳- سلاح پوشیدن
۱۴- سرمه کشیدن و انگشتر در دست کردن بجهت زینت
۱۵- زینت خود را بشوهر و محارم خود اظهار کردن ۱۶- گرفتن
و انداختن شپش از جامه و بدن

طواف و نماز آن چون احرام بانجام رسید باید از میقات بمکه
رفت و طواف را که عبارت از گردیدن هفت مرتبه دور خانه
کعبه است (هر دفعه را شوط نامند) بجای آورد بطوریکه کعبه را
طرف دست چپ خود قرار دهد از حجر الاسود سنگی است که
بخانه کعبه نصب شده) شروع شده بین مقام ابراهیم (اسم مکانیست
و خانه کعبه طواف کرده بحجر الاسود ختم نماید

نماز طواف- پس از انجام طواف دو رکعت نماز مانند نماز
صبح در مقام ابراهیم بخواند سعی بین صفا و مروه بعد از آن

طواف در همان روز و شب واجب است که حاجیان هفت مرتبه
از صفا بمروه و از مروه بصفا بروند این را سعی بین صفا و مروه نامند
صفا و مروه کوهیست در مکه) **تقصیر** بعد از سعی بین صفا و مروه
باید تقصیر کرد یعنی موی و ناخن یا قدری از موی بدن جدا
نموده و پس از تقصیر آنچه بر محرم حرام بود حلال میگردد غیر از
شکار که حرام است وقت اعمال عمره تمتع از اول شوال تا نهم ذیحجه است
افعال حج تمتع احرام بعد از عمره تمتع باید باحرام حج تمتع
اشتغال نماید و جمیع آنچه در احرام عمره ذکر شد در احرام حج
نیز واجب است جز اینکه میقات این احرام شهر مکه است
وقوف بعرفات پس از احرام باید از مکه بعرفات رفته از
ظهر تا شام روز نهم ذیحجه در آنجا بماند (عرفات مکانی است)
وقوف بمشعر بعد از غروب روز نهم ذیحجه پیش از نماز مغرب از عرفات
بمشعر باید رفت و تا طلوع آفتاب در آنجا بماند (مشعر مکانی است)
افاضه از مشعر بمنی اول روز دهم ذیحجه از مشعر بمنی باید رفت

و در آنجا بسه امر واجب مشغول باید گردید
رمی جمره و قربانی و تقصیر (۱) چون بمنی وارد شدند هفت سنگ ریزه
بسنگیکه موسوم بجمره عقبه است میزنند و بعد یک گاو یا شتر
یا گوسفند قربانی نموده پس از قربانی باید تقصیر نمود در این وقت
حلال میشود بشخص تمام آنچه باو حرام بود مگر زن و بوی خوش
طواف زیارت پس از تقصیر در روز عید قربان بمکه مراجعت
نموده اولاً طواف حج و نماز آنرا مانند عمره بجای آورده ثانیاً
سعی بین صفا و مروه را انجام داده بعد طواف نساء را با دو
رکعت نماز آن بجای آورد بعد از این طواف زن و بوی
خوش حلال میشود
مبیت بمنی (۱) بعد از اعمال مذکوره در روز عید باید بمکه
مراجعت نمود و شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه را
در منی بسر برد (**رمی جمرات ثلاث** (۱))
در هر یک از دو روزی که در منی است باید اول رمی جمره

اولی در می جمره وسطی و عقبه را بطریق سابق بجا آورد (جمره اول و وسطی کافی است) حج تمتع را باید روز نهم ذیحجه تا غروب [?] دوازدهم بجا آورد

ارکان حج

ارکان حج چهار است احرام و وقوف بعرفات و وقوف بمشعر و طواف و هرگاه یکی از آنها عمداً بجای آورده نشود حج باطل میگردد

حج قران و افراد

عمره این دو حج با حج تمتع پنج فرق دارد ۱- آنکه عمره آنها بعد از حج است ۲- آنکه در عمره آنها طواف نساء با نماز آن واجب است که پس از تقصیر عمل میشود ۳- آنکه حج و عمره قران و افراد را میتوان در دو سال بجای آورد ۴- آنکه مکان احرام آنها منزل خود محرم است اگر نزدیک میقات است و الا خود میقات میباشد ۵- در حج آنها طواف مقدم بر وقوف عرفات است

فرق حج قران و افراد

در حج قران مختارند که مقارن نیت احرام تلبیه گویند مانند تمتع یا آنکه اشعار یا تقلید نمایند ولی در افراد این طور نیست

اشعار یعنی شتری را که برای قربانی میبرند طرف راست او را زخم زده خون آلود نماید

تقلید آنست که نعلین خود را که نماز را در آن خوانده است بگردن قربانی بیاویزد

درس بیست و چهارم - جهاد

ششم از فروع دین جهاد است یعنی جنگ نمودن با کفار از برای اینکه آنها را بدین مبین اسلام در آورند (در زمان امام علیه السلام) و همچنین جلوگیری از کفاری که بخواهند بمملکت اسلام تجاوز نمایند و جان و مال و ناموس مسلمین را معرض هتک و هدر قرار دهند چه در زمان امام و چه در غیبت و این قسم را دفاع گویند و دفاع با سه طائفه واجب است ۱- یهود و نصاری و مجوس که باید آنها را بدین اسلام دعوت نمود تا مسلمان شوند و یا بشرائط ذمه عمل نمایند و تحت الحمایه مسلمین بوده باشند

ذمه پنج است اول باید کفار جزیه بدهند و مقدار جزیه
معین نیست که مقدار آن بسته بنظر امام (ع) است، دوم احکام اسلام را
اطاعت نمایند سوم آنچه در شرع مطهر حرام است آشکارا
مرتکب نشوند مانند شرب خمر و قمار و غیره چهارم هیچوجه
من الوجوه مسلمین را اذیت نکنند و آنان را تحقیر شمارند
پنجم خود بنای معابد و کلیسا را تازه ساخته باشند و از ناقوس
زدن خودداری نمایند کافری که بشرایط ذمه عمل نماید
او را کافر ذمی نامند و حفظ جان و مال و ناموس آنان
بر مسلمین است

طایفه دوم کفاری هستند که کتاب آسمانی در میان آنها
نیست باید آنها را جهاد کرد تا قبول اسلام کنند

طایفه سوم کسانی هستند که بر امام خروج نمایند باید
با آنها جنگ نمود تا مطیع شوند

امر بمعروف و نهی از منکر هفتم از فروع دین امر بمعروف است

یعنی آنکه واجب است بر شخص که مردم را بعبادت و اطاعت
قوانین مقدسه اسلام دعوت نموده و با امر الهی آشنا نماید
هشتم از فروع دین نهی از منکر است یعنی بر شخص واجب است
که مردم را از معاصی و گناهان و مخالفت قوانین اسلام
باز دارد امر بمعروف و نهی از منکر زمانی واجب است که
شخص تمیز معروف و منکر را بدهد و احتمال اثر داده و ایمن
از ضرر و عرض و جان و مال بوده باشد و علاوه مرتکب
منهی و تارک معروف عالم و عامد بوده باشد

درس بیست و پنجم - مکاسب و تجارت

کسب بر دو قسم است حرام - حلال - کسب حرام عبارت است
از خرید و فروش چیزی که شرعاً ممنوع گردیده و آن بر شش قسم است
که آنها را مکاسب محرمه نامند اول خرید و فروش
نجاسات و کلیه مسکرات مانند عرق و شراب و فقاع
و غیره باستثناء خرید و فروش سگ شکاری و گله و غیره

که دارای منافع محلله هستند و هم چنین خرید و فروش
نفتها و روغنهای نجس که غرض سوزانیدن در زیر آسمان
باشد دوم کسب بچیزی که غرض از آن تهیه آلات لهو و لعب
و ایجاد شئ حرام بوده باشد مانند خرید و فروش چوب
برای ساختن تار و صفحه شطرنج و مجسمه و هم چنین خرید
و فروش چوب انگور و تبیسی برای شراب ساختن و خرید و فروش
آلات و ادوات قمار و ساز چهارم کسب بعمل حرام مانند
قمار و ساختن مجسمه انسان و حیوان پنجم کسب با عمال واجبه
مانند دفن و غسل و کفن میت مسلمان و غیره ششم کسب
بچیزهائیکه شرعاً نفعی در آن نیست مانند خرید و فروش
حیوانات درنده و غیره مانند موش و گربه و خرگوش و روباه

مکاسب محلله

کسب حلال آنستکه شرعاً منعی از آن نشده است
کسب حلال بر چهار قسم است واجب مستحب حرام
مکروه ۱- واجب کسبی استکه زندگانی و معیشت انسان

انسان باو مربوط است ۲- مستحب کسبی است که شخص
برای توسعه زندگانی خود و عیالاتش اتخاذ نموده
۳- مباح کسبی است که انسان برای زیاد نمودن مال
با عدم احتیاج نماید ۴- مکروه کسبی است که اجتناب
از آن بهتر است مانند صرافی و کفن فروشی و غیره
پس معلوم شد که کسب حلال کسبی است که مطابق
قوانین مقدسه اسلام بوده باشد

ربا و بیع ربوی

رباخواری در شرع مقدس اسلام
حرام است و آن عبارت است از اخذ زیاده در معاوضه
جنس واحد مانند اینکه شخص یکتومان قرض دهد بشرط
اینکه زیاده از یکتومان اخذ نماید و هم چنین شخص
یک خروار گندم قرض دهد و زیاده از آن اخذ نماید
ربا میان فرزند و پدر و زن و شوهر و آقا و غلام حرام نیست
و مسلمان میتواند از کافر بگیرد و نمیتواند بدهد

احتکار نگاه داری جو و گندم و خرما و مویز و روغن
و آنچه قوت غالب مردم است برای گران شدن احتکار
نمایند و احتکار حرام است و باید محتکر را مجبور بفروش
نماید. احتکار فعلی است که بقصد و موقع حرام می شود

مجتهد کسی را گویند که تمام قوانین مقدسه اسلام
و احکام شرع مطهر را از روی دلیل بداند

عادل کسی را گویند که گناهان کبیره از وی سر نزده
و اصرار بر معاصی صغیره ننماید

تقلید بر هر مسلمان مکلف عاقلی که دارای مقام
اجتهاد نیست واجب است که در فروع دین پیروی و تقلید
مجتهد عادل اعلم را نماید

اعلم کسی را گویند که در مقام اجتهاد داناتر از سایر
مجتهدین باشد اما در اصول دین بهیچوجه تقلید
جایز نیست بلکه باید سعی و کوشش از روی تحقیق شخص
با آنها معتقد شود و دلائل حسی و غیره یقین بوجود خداوند
و پیغمبران و ائمه و قیامت پیدا نماید

سؤالات

حج کدام است .. حج بر چند قسم است ، افعال حج تمتع چند است ، محرمات احرام چه است ، طواف و نماز آنرا تعریف کنید .. سعی بین صفا و مروه را بیان نمائید ، تقصیر کدام است .. افعال حج تمتع را از احرام در وقوف بیان نمائید افاضه از مشعر یعنی چه رمی طواف را بگوئید ، مبیت یعنی چه رمی جمرات را ارکان حج را بیان نمائید ، حج قران و افراد کدام است .. جهاد یعنی چه و با چند طایفه واجب است .. شرایط ذمه چند است ، امر بمعروف را بیان نمائید نهی از منکر را بگوئید ..

درس بیست و ششم - عقود

عقد یا معامله فعلی است که از طرفین صورت گیرد طرفی
که معامله را واقع میسازد طرف ایجاب و دیگری که معامله را
قبول میکند طرف قبول نامند مانند بیع که فروشنده را
طرف ایجاب و خریدار را طرف قبول نامند
بیع و رهن و ضمان و اجاره و شرکت و وکالت و صلح و

و نکاح و متعه از عقودند. عقد بر دو قسم است لازم و جایز: عقد لازم عقد و معامله ایست که طرفین معامله قادر بر فسخ و بر هم زدن آن معامله نباشند مگر در موارد معینه

عقد جایز معامله ایست که فسخ پذیر است و لفظی که معامله بدان واقع می شود عقد یا صیغه نامند

بیع - یکی از عقود لازمه است که در موارد معینه [illegible] که خیارات گویند فسخ می شود. فروشنده یا بایع را طرف ایجاب و خریدار یا مشتری را طرف قبول و آنچه فروخته می شود مبیع و ثمن و عوض و بها را ثمن گویند

شرایط بیع بیع دارای دو شرط است: شرایط بایع و مشتری، شرایط مبیع و ثمن

شرایط بایع و مشتری ۱- آنکه فروشنده بگوید فروختم این خانه را بصد تومان و خریدار بگوید قبول کردم

یا خریدم و یا بعربی بگوید بعتُکَ فلان و مشتری بگوید قبلتُ یا اشتریتُ

بیع را میتوان بدون لفظ بمحض داد و ستد ایجاد نمود مانند خرید و فروش معمولی که آنرا معاطاة گویند در این صورت بیع لازم نمیشود مگر آنکه یکی از طرفین در آنچه باو رسیده تصرف نماید یا تلف کند

۲- هر دو مکلف و آزاد و مختار باشند

۳- فروشنده و خریدار مالک مبیع و ثمن بوده یا در حکم مالک آن باشند (ولی طفل و وکیل در حکم مالک میباشند)

۴- هر دو قادر بر تسلیم مبیع و ثمن باشند

شرایط مبیع و ثمن شش است

۱- مبیع و ثمن قابل ملکیت شرعیه باشند نه مثل شراب و خوک ۲- هر دو معلوم و معین باشند ۳- مبیع عین بوده و منفعت نباشد ولی اگر ثمن منفعت باشد ضرر ندارد

۴- مبیع امّ ولد یعنی کنیزی که از صاحب خودش حامله است نباشد ۵- مبیع و ثمن وقف نباشد ۶- بیع میوه قبل از ظهور نباشد مثلاً اگر میوه درشکوفه را بفروشند صحیح نیست مگر بضمیمه یا مدت زیاده از یکسال

اقسام بیع. بیع بر شش قسم است

۱- بیع نقد که مبیع و ثمن هر دو نقد و بی وعده ماخوذ شوند

۲- بیع دین بدین (کالی بکالی) که مبیع و ثمن هر دو موعود باشند و این بیع باطل است

۳- بیع نسیه که مبیع یا ثمن بوعده بوده باشد

۴- بیع سَلَف که ثمن در مجلس ماخوذ شود ولی مبیع در زمان معیّنی تسلیم گردد بشرطیکه در روز وعده مبیع قابل تسلیم باشد

۵- بیع تولیه آنست که بایع مبیع را بهمانقدریکه خریده بفروشد و اگر بزیاده فروخت آنرا بیع مرابحه نامند

۶- بیع صرف که خرید و فروش نقره بنقره یا طلا بطلا و هر یک بدیگری است بشرطیکه ثمن و مثمن را فوراً قبض و تسلیم نمایند

درس بیست و هفتم - خیارات

خیار- یعنی اختیار داشتن بر فسخ و بر هم زدن معامله از طرفین خیارات دوازده است

۱- خیار مجلس که بایع و مشتری تا در مجلس عقد حاضرند میتوانند فسخ معامله کنند

۲- خیار حیوان که تا سه روز بایع میتواند حیوانی را که خریده رد کند

۳- خیار شرط که در ضمن عقد شرط کنند که برای بایع یا مشتری یا دیگری در مدت معیّنی اختیار فسخ است مانند اینکه اگر بایع بمشتری تا دو ماه دیگر ثمن را رد نمود یا در بر فسخ معامله در تصرف در مبیع خود میباشد

این قسم بیع را بیع شرط و غیر اینرا بیع قطع نامند

۴- خیار تأخیر ثمن که تا سه روز اگر بایع مبیع را تسلیم نکرد و مشتری هم ثمن را ادا ننمود بایع مختار بر فسخ معامله یا صبر است و در چیزهائیکه پس از یک روز فاسد میشود این خیار یکشب

۵- خیار غبن که بایع یا مشتری نسبت بارزش مبیع در مجلس عقد عالم نبوده و مغبون شده باشند در این صورت مخیر بین فسخ بیع یا اخذ و رد بقیه قیمت است

۶- خیار رؤیت که اگر بایع یا مشتری ثمن یا مبیع را مخالف آنچه را که شنیده بودند بیابند قادر بر فسخند

۷- خیار عیب که مبیع یا ثمن معیوب درآید پس از اطلاع بعیب بایع و مشتری میتوانند بیع را فسخ نموده یا تفاوت بین صحیح و معیوب را بگیرند (آن تفاوت را ارش گویند)

۸- خیار تدلیس که مبیع را فریب‌دهنده بهتر از واقع

نمایش دهد در این صورت بعد از اطلاع قادر بر فسخ است

۹- خیار شرکت که مبیع مشترک درآید پس مشتری مختار بین فسخ یا شرکت با شریک مبیع است و مقدار ثمنی را که در مقابل مال غیر داده باید پس بگیرد

۱۰- خیار تعذر تسلیم که تسلیم مبیع بر بایع مشکل شود مشتری قادر بر فسخ است

۱۱- خیار اشتراط آن است که در ضمن عقد بیع شرطی ملحوظ شود در این صورت باید وفا بآن شرط نمود والا بیع قابل فسخ خواهد بود

۱۲- خیار تفلیس که شخص متاعی بمفلس بفروشد و حاکم شرع مفلس را از تصرف در اموال خود منع نماید در این صورت بایع قادر بر فسخ است

تبصره - هرآینه در عقد بیع بشرط اسقاط خیارات نمایند کلیه حق خیار ساقط میگردد و پس از مردن حق خیار بورثه صاحب خیار منتقل میگردد

درس بیست و هشتم - رهن

گرو گذاردن مالی را نزد طلبکار برای اطمینان او رهن گویند گرو دهنده را راهن و گیرنده را مرتهن و مالیکه بگرو گذارده می شود عین مرهونه گویند

شرایط رهن

۱- صیغه رهن که دلالت بر ایجاب از طرف گرو دهنده و قبول از طرف گرو گیرنده نماید مثل رَهَنْتُكَ هٰذَا المالَ علی الدَّیْنِ المُعَیَّنِ المعلومِ (یعنی گرو میگذارم این مال را نزد تو بجهت دین و قرض معین خودم از طرف این) وَقَبِلْتُ (یعنی قبول کردم این مال را گرو از طرف مرتهن) ۲- راهن و مرتهن هر دو مکلف و جایز التصرف باشند پس صغیر و مجنون و مجبور و غلام نمیتوانند بدین عقد عمل نمایند ۳- راهن مالک یا در حکم مالک عین مرهونه باشد (ولی صغیر و وکیل در حکم مالکند) ۴- عین مرهونه عینی باشد که بیع آن مشروع باشد نه مثل شراب و آلات قمار ۵- گرو برای اطمینان دین ثابت معینی باشد نه برای قرضی

که بعد خواهد کرد

احکام رهن

۱- گرو دهنده را در تصرف عین گرو بدون اجازه گرو گیرنده نیست ۲- منافع عین گرو متعلق بگرو دهنده است ۳- گرو دهنده اگر قرض خود را ادا نمود بعد از گذشتن مدت معین گرو گیرنده عین گرو را میتواند بفروشد ۴- گرو اگر بدون تقصیر در دست گرو گیرنده تلف شود گرو گیرنده ضامن نیست

درس بیست و نهم - اجاره

انتقال منفعت عینی را بدیگری در مقابل عوض اجاره نامند مانند سکنی در خانه که منفعت آن خانه است در مقابل وجه معینی - صاحب عین را موجر و اجاره کننده را مستاجر و عین را عین مستاجره و عوض را مال الاجاره نامند

شرایط اجاره

اجاره دارای شش شرط است

شرایط موجر و مستاجر و شرایط عین و مال الاجاره

شرایط موجر و مستاجر چهار است اول آنکه موجر مثلاً
بگوید اجاره دادم این خانه را بپانصد تومان و مستاجر
بگوید قبول کردم یا بعربی بگوید اجرتك فلاناً و مستاجر
بگوید قبلتُ اجاره را میتوان بدون لفظ ایجاب نمود
اجاره معاطات ۲- هر دو مکلف و مختار و آزاد باشند
۳- موجر قادر بر تسلیم عین مستاجره باشد ۴- مستاجر
متمکن از انتفاع عین شرعاً و عرفاً باشد

شرایط عین و مال الاجاره دو است ۱- عین مستاجره
و مدت مال الاجاره و زمان تادیه آن معلوم و معین باشد
۲- منفعت حاصله از آن عین مباح باشد نه مثل اجاره
مکان برای تهیه شراب

احکام اجاره اجاره دارای پنج حکم است اول عهد
اجاره فسخ نمیشود مگر بتراضی طرفین یا بواسطه یکی از
خیارات بیع باستثناء خیار مجلس و حیوان و تاخیر ثمن

دوم عین مستاجره هرگاه تلف شود یا مال غیر درآید اجاره
باطل می شود سوم بموت موجر یا مستاجر و فروش عین مستاجره
اجاره باطل نمیشود چهارم اگر عین مستاجره بواسطه تقصیر
مستاجر تلف شود مستاجر ضامن است

تبصره اگر شخص بدون اجازه مالک ملکی را فروخت
و بعد مالک امضاء نمود بیع صحیح است و اینرا بیع فضولی
نامند و همچنین است اجاره فضولی - موقع تسلیم مال
الاجاره بعد از تسلیم عین است و همچنین اگر کسی خود را
اجیر دهد بعملی بعد از اتیان عمل مال الاجاره را مطالبه
میکنند

درس سی ام - شرکت

اختلاط دو یا چند سرمایه را شرکت شرعی نامند بدین
طریقکه دو یا چند نفر قرار دهند که در معامله آنچه نفع
یا ضرر کنند بنسبت سرمایه تقسیم شود یکی از شرایط شرکت

آنستکه جنس و مقدار سرمایه شرکا معلوم باشد و متحد
هرگاه یکی از شرکا راضی بشرکت نباشد میتواند دیگرانرا
مجبور بتقسیم و فسخ شراکت نماید مگر در صورتیکه بواسطهٔ
تقسیم و فسخ ضرر بدیگران وارد شود و یا اینکه در موقع
عقد ذکر مدت معین شده باشد

وکالت نایب گردانیدن کسیرا در امر قابل وکالت
مانند معاملات و مدافعات از قبیل قبض و تسلیم
ملک و دین وکالت شرعیه نامند پس بر شخص در نماز
و روزه و عبادات و ارث و غیره صحیح نیست نایب بگیرد
نایب گیرنده را موکل و نایب را وکیل گویند

شرایط وکالت وکالت دارای سه شرط است
۱- موکل و وکیل لفظی گویند که دلالت بر نیابت و قبول
آن نماید ۲- وکیل و موکل بالغ و عاقل و مختار باشند
۳- در امور غیر مشروع وکالت صحیح نیست

احکام وکالت موکل و وکیل هر وقت که بخواهند قادر
بر فسخ وکالتند مگر آنکه در ضمن عقد شرطی شده باشد
۲- سه چیز وکالت را باطل میکند ۱- فوت یا دیوانگی
یکی از طرفین ۲- عملیکه وکیل باید بجا آورد از بین برود
مانند اینکه موکل خود آن عمل را بجا آورد و یا اینکه موضوع
تلف شود ۳- در صورت خیانت وکیل وکالت فسخ می شود

اقسام وکالت وکالت بر دو قسم است مطلقه و مقیده
وکیل مطلق میتواند که بدون اجازهٔ ثانوی موکل خود در
صورت مصلحت تصرفاتی در کلیه امور موکل خود بنماید
وکیل مقید آنستکه اختیارات محدود و معین بوده باشد
در این صورت تصرف او در امور خارج از موضوع وکالت
فضولی است و محتاج باجازهٔ موکل است
وکیل در توکیل - وکیل میتواند با اجازهٔ موکل وکیلی
برای خود تعیین نماید پس بمردن و عزل وکیل اول وکیل

دوم منفصل نمی شود

درس سی و یکم - ارث

میراث انتقال مال یا حقی از کسی بکسی دیگر پس از فوت وی میراث نامند.

موجبات ارث

ارث بسبب یا نسب بایشان منتقل می شود

نسب - یعنی خویش بودن از راه ولادت و سبب یعنی اتصال از راه زناشوئی و غیره

نسب و خویشاوندی سه طبقه است که هر یک مانع طبقه بعد اند ۱- پدر و مادر و اولاد و نواده و نتایج و هرچه پایین آیند ۲- برادران و خواهران و اولاد آنان هرچه پایین روند و جد و جده و هرچه بالا روند ۳- عموها و عمه ها و دائیها و خاله ها و اولاد آنان هرچه بالا روند.

سبب - یعنی اتصال از راه زناشوئی چهار طبقه است

۱- نکاح (یعنی زناشوئی دائمی بدو قسم)

۱- اینکه زن از شوهر خود ارث میبرد در صورتیکه مدخوله باشد

۲- آنکه شوهر از زن خود ارث میبرد در هر صورت

۲- ولای عتق - یعنی بنده را که آقای او آزاد کرده باشد و آقا وارث نسبی نداشته باشد بنده ارث میبرد

۳- ولاء ضامن جریره - یعنی کسی ضامن جنایت دیگری شود و خود از ورثه نباشد در صورت فقدان وارث نسبی ارث میبرد

۴- ولای امامت - یعنی کسی فوت نماید و وارث نسبی و سببی نداشته باشد در این صورت ارث او بامام میرسد که باید بحاکم شرع تسلیم شود

موانع ارث مانعین ارث از این قرارند ۱- کافر که از مسلمان نمیتواند ارث ببرد اگرچه نزدیک باشد ولی مسلمان از کافر ارث میبرد و سایر ورثه کافر را

اگر کافر باشند محروم مینماید ۲- قاتل که اگر مورث
خود را بکشد عمداً از مال او ارث نمیبرد ولی اگر خطأً
کشته باشد از دیه فقط ارث نمیبرد ۳- بنده که ارث
از آقای خود نمیبرد

فروض ارث فروض و سهامیکه در قرآن معین شده
شش است نصف ١/٢ ربع ١/٤ ثمن ١/٨ دوثلث ٢/٣ ثلث
١/٣ سدس ١/٦ نصف بر چهار طایفه اند
۱- شوهر در صورتیکه زوجه اولاد نداشته باشد
۲- دختر در صورتیکه پسر نباشد
۳- یکخواهر پدری و مادری با نبودن برادر
۴- یکخواهر پدری با نبودن برادر یا خواهر پدری و مادری

ربع بر دو طایفه اند ۱- شوهر در صورتیکه زوجه
اولاد داشته باشد ۲- یک یا چند زن در صورتیکه
برای شوهر اولاد نباشد

ثمن بر - یک یا چند زن در صورتیکه شوهر اولاد
داشته باشد

دوثلث بر - سه طایفه اند ۱- دو یا چند دختر با نبودن
پسر با آنان ۲- دو یا چند خواهر پدر و مادری با نبودن
برادر با آنان

ثلث بر - دو طایفه اند - مادر از فرزند خود با نبودن
پسر و برادر برای فرزندش.
۲- دو یا چند تن از اولاد مادری

سدس بر - سه طایفه اند ۱- پدر و مادر با بودن اولاد
برای میت ۲- مادر هرگاه میت یک یا دو برادر و دو یا
چهار خواهر پدر و مادری یا پدری داشته باشد
۳- یکی از اولاد مادری

سؤالات مجتهد و عادل و تقلید را بیان کنید. مکاسب کدام
مکاسب محلله چند است. بیع را تعریف کنید. شرایط بایع و مشتری را بیان
کنید. شرایط مبیع و ثمن چند است. بیع بر چند قسم است. [illegible]

شرایط رهن چند است . احکام رهن را بیان کنید . احکام اجاره چیست
شرکت یعنی چه . شرایط وکالت بیان نمائید . وکالت چند قسم است .
میراث یعنی چه . نسب و سبب کدام‌اند . نسب چند قسم است .
سبب بر چند قسم است .

درس سی و دوم - فلسفه یا حکمت

فلسفه و حکمت قوانین شرع مقدس بر ما کاملاً معلوم نیست ولی آنچه را که عقل قاصر ما درک مینماید از این قرار است

فلسفهٔ طهارت پاکیزگی و نظافت و مراعات حفظ الصحه جسمانی است و علاوه بر فوائد ظاهری منافع روحانی دارد که ما مطلع نیستیم **فلسفهٔ عبادت** و دیانت . اطاعت و بندگی منافع اخلاقی و اجتماعی بیشمار دارد چه اگر عبادت و بندگی پیش نگیرند خودسرانه نمو نموده و اخلاقشان فاسد و زندگانی دنیا و آخرتشان ضایع میگردد . و علاوه بر این اطاعت و بندگی باعث فلاح آخرت است

حکمت نماز اجتناب از رذائل اخلاق مانند غضب نمودن

زمین و لباس و آب مردم است و نیز نماز خواندن و بیاد خدا بودن در شبانه روز بطریق مقرر انسان را از اخلاق رذیله و نواهی شرع مقدس باز میدارد

فلسفهٔ جماعت - بزرگترین دقیقه که در اسلام نهاده شده حکم بجماعت است چه در انعقاد جماعت بروز اتفاق و اتحاد مسلمین و دستگیری فقرا و ضعفاء منظور است بطوریکه برای اجتماع محلی جماعت آن محل و برای اجتماع بلدیه جماعت شهری مقرر است مانند نماز جمعه که هفته یکمرتبه برای اجتماع مسلمین یک شهر معین شده و حج برای اجتماع مسلمین روی زمین

فلسفهٔ روزه اطلاع اغنیاء از حال فقراء و مساکین و امتیاز مسلمین از کفار و اجتماع مساجد و احترام اسلام مذهب

فلسفهٔ حج - اجتماع مسلمانان روی زمین سالی یکمرتبه در مکان مقدس مکه و اتفاق بر ضعفا

و فقراء و اطلاع از اوضاع دو جهه مسلمین و استخبار
از جریان سیاست و حکومت ممالک اسلام

فلسفهٔ زکوة حفظ مبانی آسایش عمومی از تاسیس مریضخانه
و دار الایتام و دار العجزه و توسعهٔ فنون و تهیهٔ آلات و
ادوات حربیه و تامین استقلال مملکت بوسیلهٔ معارف
و علوم از راه تاسیس مدارس و نگاهداری محصلین و طلاب

حکمت خمس - نگاهداری فقراء و مساکین طلاب از
نقطهٔ احترام مذهب و اتصال آنان بحضرت ختمی مرتبت که
خود از شعائر دین است

حکمت جهاد - حفظ و توسعهٔ حدود و ثغور مملکت اسلام
و نگاهداری حقوق مسلمین در مقابل کفار

حکمت امر بمعروف و نهی از منکر جلوگیری از مفاسد اخلاق
که موجب بروز تجاهر و فساد میگردد و ترویج اخلاق حسنه
میان مسلمین

فلسفهٔ تجارت - توسعهٔ امور معیشت خصوصی و ازدیاد
ثروت عمومی از ترویج واردات و صادرات مملکتی

فلسفهٔ شرکت - تعاون در امور و جلب منافع بمساعدت
یکدیگر مانند ایجاد خزائن عمومی و کشیدن راه آهن و غیره

فلسفهٔ تقلید - برای حفظ دین از اندراس و نگاهداری
آن در مقابل تبلیغات کفار تقلید مجتهد حیّ اعلم متقی
مقرر شده است که با نفوذ و قدرت خود مسلمین را
نگاهداری کرده آنان را براه نجات سوق داده و احکام
الهی را که از همه بهتر میداند بآنان دستور دهد

حب اهلبیت اهلبیت پیغمبر رؤسای مذهب و بزرگان
دینند و بر هر مسلمان واجب است که دوستی و حب آنان را
در قلب خود جا داده پیروی آنان را که موجب نجات دنیا
و آخرت است بنماید

کتبه جمال الدین نخجی
۱۳۴۷

معصیت کبیره یا گناه بزرگ آن است که در دین اسلام برای فاعل آن در دنیا جزائی معین شده و در آخرت هم بجهنم خواهد رفت و معاصی کبیره از این قرارند **شرک بخدا** عقل و وجدان حکم مینماید که آسمان و زمین و کلیه عالم خلقت را صانعی است که مصالح و مفاسد زندگی بشر را کاملا مراعات فرموده و راه ترقی و تعالی آنان را بتوسط انبیا و پیغمبران بمردم رسانیده تا بواسطه متابعت قوانین احکام مقدسه اش نظام عالم دائر و سلسله زندگانی گسیخته نگردد پس بر همه انسانی فرض و واجب است که معتقد بوجود مدبر و خداوندی شده دینه و بندگی او را که موجب سعادت دنیا است ملتزم گردد چه انسان مشرک در عالم اجتماع شریعه تکلیف و در آخرت سرگردان و معذب بعذاب الهی خواهد بود **فرار از جهاد** جهاد از عبادات واجبه است که حافظ شرافت و ناموس ملت و نگهبان عظمت و قدرت دولت و سلطنت است و فرار از آن علاوه بر اینکه اعتبارات و حیثیات ما را متزلزل میسازد در دنیا موجب ذلت و خواری و در عقبی باعث نکبت و گرفتاری خواهد شد **غیبت** یعنی پشت سر دیگران بد

بدگوئی نمودن و آنچه را او راضی نیست ابراز داشتن غیبت دیگران موجب بی اعتباری و تنفر عمومی میشود و خداوند هم در قرآن مجید نیز ما را از این صفت نهی فرموده تا شخص مرتکب نگردیده از مفاسد آن محفوظ ماند **سوگند دروغ** دروغگوئی از صفات بسیار زشت و ناپسندیده است خصوصا قسم بدروغ که انسان را از اعتبارات ساقط و بی مقدار میسازد **تصرف مال یتیم** از نظر مروت و انصاف هرگاه نیکو بنگرید می بینید که چه بزرگترین دشمنان و ستم بر ایتام که از مقام انسانیت دور و بکلی از صفات انسانیت مهجور است یکی از بزرگترین دشمنان طبقات فقراء و ایتام مبتلا بیتیم چون بحد بلوغ نرسیده قادر بر حفظ جان و مال و ناموس خود نیست پس در این سن مستحق رعایت و مساعدت است بر هر کس فرض حتمیست که در حفظ مال وی کوشیده از موقع تفریط نگاهداری نماید

معاصی کبیره - راجع بسال ششم

یاس از رحمت خدا تعالی - نومیدی از درگاه حضرت احدیت شخص را بمقام قرب حق دور نموده در دنیا بیاس و دلتنگی و در آخرت بسوء گرفتار

مبتلا کند انسان در دنیا باید تمام در امور مشروعه اقدام نماید
و ناامید از رحمت باری تعالی نباشد **عاق والدین** عدم رضایت
و دلتنگی پدر و مادر موجب خسران دنیا و آخرت است چه آنها از فرزند
انتظار همه گونه اطاعت و مساعدت دارند بر فرزندان واجب است که
موجبات آسایش والدین را فراهم نموده اطاعت ایشان را بر خود فرض دانسته
تا سعادت دنیا و آخرت را دارا شوند **غصب مال غیر** تصرف در
مال غیر بدون اجازه او باعث تنفر در دنیا و عذاب آخرت است
قطع صله رحم خداوند برای ارحام و اقوام حقی مخصوص معین کرده که
باید دلجویی از آنان نموده با ایشان در کمال ملایمت و مساعدت و
معاشرت نماید **کم‌فروشی** کم‌فروشی یک نوع دزدی است و
دزدی فعلی است قبیح و از معاصی کبیره محسوب می‌شود و کم‌فروش
در دنیا بی‌اعتبار و بی‌آبرو است و در آخرت معذب **اعانت
بظالم در ظلم** همراهی و شرکت در ظلم عین ظلم است و ظلم از اخلاق
رذیله و ملکات ناپسندیده است که باید از آن از هر جهت اجتناب نمود.

خوردن گوشت خوک و مردار اطباء تشخیص داده‌اند که خوردن
گوشت خوک و مردار دارای سمی است که باعث تولید امراض میگردد
مطابق قوانین حفظ الصحه احتراز از او لازم است و در شرع مقدس
نیز حرام میباشد **ترک عبادات واجبه** اتیان باعمال واجبه
موجب فلاح و ترک آنها باعث سستی عقاید و سرکشی از دستور
حضرت الهی است **هجو مردمان** استهزاء و هجو نمودن مردم
منهی است و هجوکننده در دنیا از نقطه نظر اخلاقی منفور و در
در آخرت معذب باشد **ترک عفت** عفت و عصمت و پرهیزکاری
از معاصی باعث محبوبیت و توجه عامه و نجات آخرت و ترک آن
موجب تنفر و انزجار خلق و عذاب آخرت است

مواد اخلاق سال پنجم

وظایف انسان نسبت بباری تعالی - اولین وظیفه انسان اعتقاد
و اقرار بوجود خداوند و خالق و مدبریست که ما را از نیستی به هستی
آورده و نعمتهای گوناگون برای زندگانی ما تهیه نموده و بما عقل

و نیکو عطا فرماید تا نیک و بد را تمیز داده و در معنا شرف بودن
بهدایت و ملاطفت رفتار نموده و عبادت و اطاعت وی را بر
خود حتم دانسته تا نتایج حسنه و عواقب پسندیده نائل گردیم

تکالیف و وظایف نسبت بخود

برای انسان نسبت بخود وظایف و تکالیفی مطابق حکم شرع و عقل مقرر گردیده
که عزت و سعادت انسان بآن مربوط است ۱- آنکه از افعال
زشت و ناپسندیده دوری نماید ۲- آنکه کسب صفات حسنه
و خصال پسندیده را بر خود فرض و لازم داند ۳- بتحصیل
معارف و علوم عمر خود را مصروف داشته و علم قانون مقدس اسلام را
بر همه مقدم شمارد و در راه حفظ و ترویج دین از هیچگونه اقدام
کوتاهی ننماید ۴- از راه مشروع کسب معاش کند ۵- در حوزه
اجتماعی کمال درستی و راستی و سلامت نفس را ظاهر سازد و مال
و جان و ناموس دیگران را مال و جان و ناموس خود داند و با خلق
سلیم بخدمت نوع خود اشتغال ورزد

تعلیمات در خصوص رفتار طفل با خانواده

اطفال خورد سال را باید بخوبی بیاموزند که نتیجه علم ملکه حسنه
و بروز صفات پسندیده در عالم اجتماع است پس باید همیشه با
مردم خصوصاً پدر و مادر و برادر و خواهر خویشان و بستگان
و اجزاء خانواده با کمال خشوع و خضوع رفتار نموده متابعت و امر
و نواهی آنها خود را حاضر سازد و در مواقع سختی و هلاکت نفسه

وظایف راجع بوطن و هیئت بشریه

وطن مملکتی است که شخص در آنجا متولد شده و در آن زندگانی نموده
و به آنجا علاقه‌مند است انسان باید وطن خود را دوست بدارد
مسلمان وطن پرست کسیستکه در حفظ قوانین مقدسه اسلام
کوشش نموده و راقی در ترقی آب و خاک وطن خود کوتاهی نورزد
وطن پرست کسیستکه ذره از خاک مملکت خود را بمبالغ گزاف
نفروخته ظروف گلین و لباس پشمین خود را بر حریر و بادو بیگانگان
ترجیح داده و در مواقع لزوم برای حفظ وطن از جان و مال

خود دریغ ننمایند پس افراد نادان حتی المقدور در خدمت نوع
بشر خصوصاً هموطنان خود کوشش نموده حیثیات ملک و ملت را
حفظ نمایند **زن یا طفل یا جد و زیردستان**
نامیخواهند رعایت زیردستان و دستگیری افتادگان را پیشه
خود قرار داده و همواره مراقب و مواظب حال آنان باشند خصوصاً
خدمه و اجزاء خانواده که برای آسایش و انجام مهمات شما همه
گونه سختی و مشقت را تحمل مینمایند - خدمه و کماشتگان بمنزله
عیالات و اقوام شخص میباشند و حفظ ناموس و شرافت آنها بر
ایشان لازم است **پرهیزکاری** شارع مقدس پیغمبر اکرم
تاکید فوق العاده در باب زهد و پرهیزکاری و عفت فرموده اند
تا شخص از اعمال قبیحه و افعال ناپسندیده اجتناب و دوری نماید
شخص عفیف و پرهیزکار نزد عامه مردم محترم و باآبرو است پس
نامیخواهند از طفولیت بعفت و زهد مراقبت نمایند تا در بزرگی
بثمرات آن نائل شوند **سرپرستی** یکی از آداب معاشرت

و اخلاق حسنه انسانیت سرپرستی بچه‌ها و کودکان و تحمل زحمات
آنان و تهیه لوازم زندگانی ایشان است از این سبب تا ممکن است
از فقرا و مساکین و ایتام دستگیری نموده و در مواقع لازمه از
هیچگونه اقدام دریغ ننماید **شرافت** انسان با شرف
کسیست که همیشه در مقام حفظ شرافت را برای خود طالب باشد
و قدر و منزلتی که برای او حاصل است از دست نداده بواسطه
اخلاق حسنه و حفظ و حراست آن بکوشد و بسبب اطاعت اوامر
الهی و خدمات با ابناء وطن خود مقام عالی را حائز گردد
عدالت انسان عادل و دادگر کسیست که حق دیگران را ضایع
ننماید خداوند عالم را عادل میگویند زیرا که تمامی بندگان از
حیث حقوق در پیشگاه مقدسش مساویند هرکه دارای اخلاق نیک
و پسندیده است نزد خدا محبوبتر است **نجابت و سخا**
یکی از آثار نجابت حیا و شرم و فروتنی و تواضع است انسان نجیب
همیشه با مردم بطور ملایمت و حیا رفتار نموده از اینجهت در زندگانی

خود را با کمال رأفت و غلظتی بپایان میرساند - تمام مرتبه را که بین

اسراف و بخل است میانه نامند بنابراین جود و بخشش صفت از ارکان

و ملکه بزرگان و خردمندان است پس تا میتوانید از کودکی خود را

بآن عادت داده تا در بزرگی بمنافع خجسته آن نائل شوید

مضرات خشم و غضب

یکی از صفات رذیله و اخلاق ذمیمه

خشم و غضب است انسان خشمگین و غضبناک اغلب اوقات اندوهگین

و اسفناک بسر میبرد مفاسد خشم و غضب بسیار و مضار زشتی

دارند خوئی بسیار بطوریکه علاوه بر تعذیب شرعی و تنفر خلق

باعث شکنجه روح است

تکالیف والدین نسبت باولاد

اولین وظیفه والدین نسبت بلوازم تحصیل و تربیت اطفال است که

باید آنان را بتحصیل علوم و معارف وادار نموده از افعال زشت

و ناپسند جلوگیری نمایند و تا ختم دوره تحصیل مایحتاج

زندگانی آنانرا تا حتی المقدور فراهم سازند

تکالیف متبادله برادران و خواهران

بعد از احترام پدر و مادر احترام برادر و خواهر بر انسان فرض و لازم

خصوصاً اگر آنان از شخص بزرگتر باشند برادران باید مانند پدر

نسبت بخواهران خود ملاطفت و مهربانی نموده در مواقع سختی و تنگی

با آنها مساعدت کنند و در زمان غیبت پدر و مادر در توجهات کامل

نسبت بآنها مرعی دارند و از طرف دیگر خواهران در اطاعت اوامر مشروعه

آنان نهایت رغبت و اطاعت را ظاهر سازند و آنچه را از پدر و مادر

متوقعند از آنان نیز متوقع باشند

تکالیف نسبت بآموزگار

والدین پدر و مادر جسمانی میباشند و معلم پدر روحانی است احترام معلم

مقدم بر احترام پدر است چه پدر لوازم تربیت جسم را فراهم مینماید و معلم

موجبات تکمیل روح را مهیا میسازد چنانچه شرافت روح بر جسم مسلم است

اطاعت معلم و آموزگار مرشد دین صحیح العمل بر اطاعت پدر مقدم است

تحصیل علم و لزوم آن

بهترین گوهر نفیس گوهر و جوهر عزیزی که خداوند

در بشر ودیعه نهاده علم است و در عظمت و شوکت آن بس که

خداوند خود و رسولان خود را بعلم نسبت داده اشرف مخلوقات

انسانی است و بالاتر از آن علم است بشر بحکم عقل و وجدان احتیاج
بعلم دارد که رفع ما یحتاج زندگانی انسان را بنماید قومی که یک قدم
زودتر در جادهٔ معارف و علوم نهاده اند سیادت دنیا را [illegible]
بوده اند ثروت و پول که عظمت و سیادت قومی بدان مربوط است
از راه علم کسب می‌شود - علم میتواند که انسان را در سطح کرهٔ خاک
بجاهای اجرام افلاک برساند - علم قادر است که جامعهٔ بشریه را حفظ
نموده قانون و دستور کلی برای تمدن آنان ایجاد نماید - بهترین
قانون که عهده‌دار این خدمت بزرگ شده قانون مقدس اسلام است
کتاب آسمانی ما قرآن از مبنای محکم و مستحکم عقل و علم استخراج شده
پس ای عزیزان تا میتوانید در تحصیل علم سعی و کوشش فوق العاده
نموده دورهٔ عمر خود را در راه مقدس علم مصروف دارید

تکالیف نسبت بمدرسه

مدرسه مکان مقدسی است که انسان را از حضیض
جهالت رهانیده باوج ترقی و سعادت میرساند مدرسه است که
موجب ترقی و تعالی سیاست ملت و عظمت و قدرت دولت و امم

رفقای مدرسه برادران علم و عمل اند که تمامی دورهٔ آنان بر
مقدس اسلام و علم گذشته و گوهر گرانبهای هستی ایشان در جادهٔ
معارف مصروف گشته پس اگر در این تحصیل بمرتبهٔ شهیدند و مقام
محترم منبع آنان در جریدهٔ قدس محفوظ است - بهترین دورهٔ زندگانی
در مدرسه است و بزرگترین رفقا مدرسه محصلین پس تا میتوانند
با آنان بطور مساوات و برادری در کمال حسن خلق موافقت و معاشرت کنند

آداب معاشرت

چون بشر در امور زندگانی ناچار از آمیزش و معاشرت است
باید حتی المقدور در کمال مسالمت و ملاطفت و صدق و راستی در
خدمت با ابناء وطن خود ساعی باشد - نتیجه علم و عمل بروز اخلاق
حسنه و صفات پسندیده در معاشرت با ابناء نوع بشر است پس تا میتوانند
با خلق خدا منتهی درجه رأفت و مهربانی و تواضع و فروتنی و ادب را ظاهر سازند

حفظ شعائر قرآن و اسلام

اقوام و ملل متمدنه که در عالم از خود
نام و نشانی گذارده اند و دورهٔ زندگانی خود فوق العاده باشرافت
بوده اند همانا بواسطهٔ حفظ مراتب قوانین ملی بوده است و آنان که د

بهیچ دفعه و بکلی نام و نشان از جریده عالم محو گشته بواسطه
تسامح در حفظ قوانین ملی بوده است قانون ملی ما قرآن است
قرآن جامع قوانین تمدن و تدین است حفظ قرآن که عبارت
از اجرای احکام اوست بر ما فرض و واجب است **احترام قرآن** باعث ترقی
و تعالی سیاست مسلمین است **احترام قرآن** موجب توسعه مملکت
اسلام است و نفوذ قدرت مسلمین است این زمان همیشه در حفظ
و اجرای قوانین مقدسه اسلام بکوشید تا دست اجانب بیگانگان
از آب و خاک شما کوتاه شده تمدن فوق العاده را دارا شوید

مواد اخلاق راجع بسال ششم - معنی تکلیف

تکلیف شرعی بشخص عاقل متوجه میگردد چه انسان مجنون و غیر ممیز
بی تکلیف است و چون انسان با سایر حیوانات بواسطه داشتن
عقل و قوه درّاکه ممتاز است از این جهت تکلیف بوی متوجه شده
شخص در عالم اجتماع مکلف بتکالیف ذیل است ۱- اطاعت اوامر
و نواهی قانون اسلام ۲- احتراز و اجتناب از اجنبی و بیگانگان ۳-

احترام رؤسا مذهب و روحانیین ۴- رعایت آزادی شخص و حفظ
آزادی دیگران ۵- اطاعت قوانین موضوعه مملکتی ۶- گذشتن
از مال و جان و اولاد در مقام دیانت ۷- فداکاری در حفظ استقلال
وطن و توسعه نفوذ مملکتی ۸- حق شناسی و قدردانی از
خدمتگذاران دین و مملکت و وطن ۹- اقدام در مجازات خائنین
مملکت و مخالفین با حکومت ملی ۱۰- سعی و کوشش در توسعه معارف
اسلامی و مملکتی **رعایت قوانین** حفظ انتظامات مملکت و ترقی آزاد
ملت در لوای قانون است : قانون یا دستور بر دو قسم است
قانون الهی و شرعی و قانون مملکتی و عرفی قانون شرعی دستور کلی است
برای صلاح دنیا و آخرت و قانون عرفی دستوری است برای حفظ
انتظامات داخلی و روابط خارجی با موافقت قوانین شرعیه رعایت
قوانین شرعیه و عرفیه بر انسان مسلمان وطن پرست لازم است
رعایت آزادی دیگران - آزادی در مملکت تا حدیست که
صدمه بآزادی دیگران نزده و حقوق مردم را تهدید ننماید

انصاف از زمره اخلاق حسنه و صفات پسندیده است و شخص منصف
نزد عموم مقبول و محبوب است (**وفای بعهد و خلف وعده**)
عقل و وجدان حکم مینماید که شخص حتی المقدور بعهد و پیمانی که
نهاده است وفا نماید و تا میتواند خلف وعده ننماید وفای بعهد
موجب احترام و دوستی است و خلف وعده باعث بی قربی شخص میگردد
یکی از صفات بزرگان و اخلاق دانشمندان وفای بعهد و وعده است
پس هر کس خواستار مقامات بزرگان است باید از خلف وعده احتراز نماید
حفظ قول و امضاء قول و امضاء انسان بسیار محترم است انسان با
شرف باید حتی المقدور قول و امضاء خود را بمواقع اجرا گذارده تخلف
نوشته و گفته خود بهیچ وجه من الوجوه ابدا نمی نماید کسیکه حفظ قول
و امضاء خود را پیشه خود قرار داده در زمره دانشمندان عالم محسوب
میشود - سلاطین نامدار و پادشاهان با اقتدار و حکمای عالیمقدار
تمام دارای این صفت بوده اند تا بواسطه عزم و حفظ گفتار فتوحات
و اکتشافات بسیار نموده با کمال افتخار دوره زندگانی خود را طی نموده اند

ثبات رأی - استقامت و ثبات رأی شخص را بمقصود خود نائل میسازد
مطلوب بلکه نزد انسان را سرگردان و بی تکلیف میگذارد سعی و عمل است
که شخص را بانچه تصور مینماید میرساند - سعی و عمل است که فقیر را غنی
و جاهل را عالم و مستمند را مستقل میسازد **عیوب کاهلی و اهمال**
مفاسد کاهلی و اهمال در نزد بزرگ و عقلاء واضح و ضرر آن بسیار است چنانچه
آدم بیکار مالهای گزاف و خزائن بسیار دارد اندک زمانی تلف نموده و بفقر
و پریشانی مبتلا می شوند - انسان بیکار علاوه بر فقر و استیصال در عالم
بشریت بمنزله عضو فاسدی است شارع مقدس پیغمبر اکرم ص همیشه مردم را
بکار دعوت می فرمود تا سلسله تمدن و زندگی آنان گسیخته نگردد انسان
بیکار در نزد عقلا قدر و منزلتی نداشته و از معنویات و اجزاء فاسد
محسوب می شود **قدر قیمت وقت و زمان** عمر گرانبهای انسان وقت
و زمان است چه هر آنچه که گذشت باز گشت ندارد پس انسان باید خود
ایام و لیالی را ادا نموده از اتلاف دوری کند و بمصارف خیریه از قبیل تحصیل
علم و عبادت و خدمت بوطن و خلق مصروف دارد **معاشرت با بدان**

همانطور که معاشرت با نیکان انسان را متصف بصفات حسنه مینماید مجالست

با بدان و اشرار نیز شخص را فاسد و شریر مینماید و بخصوص احتراز از معاشرت

مفسدین و متظاهرین با خلاق رذیله بر شخص فرض و لازم است معاشرت

با دانشمند و نیکان معاشرت با عقلا و دانشمندان و نیکان شخص را

فاضل و دانشمند و نیک کردار مینماید و در اثر اخلاق حسنه آفاق اندیشه روشن

و در حسنا برای انسان تهیه مینماید ابراز لیاقت لیاقت کاردانی

شخص را بجلال و امانت خود قابل تحسین و انسان را در جامعه اهمیت داده بمقام

منیع خدمتگذاری بخاک وطن مفتخر مینماید مدافعه از حقوق

دفاع از حقوق شخصی و نوعی بر انسان لازم است چرا اگر از حقوق خود

و دیگران دفاع ننماید ظالم است و در باره خود و دیگران ظلم نموده

و نزد خردمندان بی عظمت و آبرو است

کتبه جمال الدین نخعی

۱۳۴۷

در مطبعه   طبع گردید



